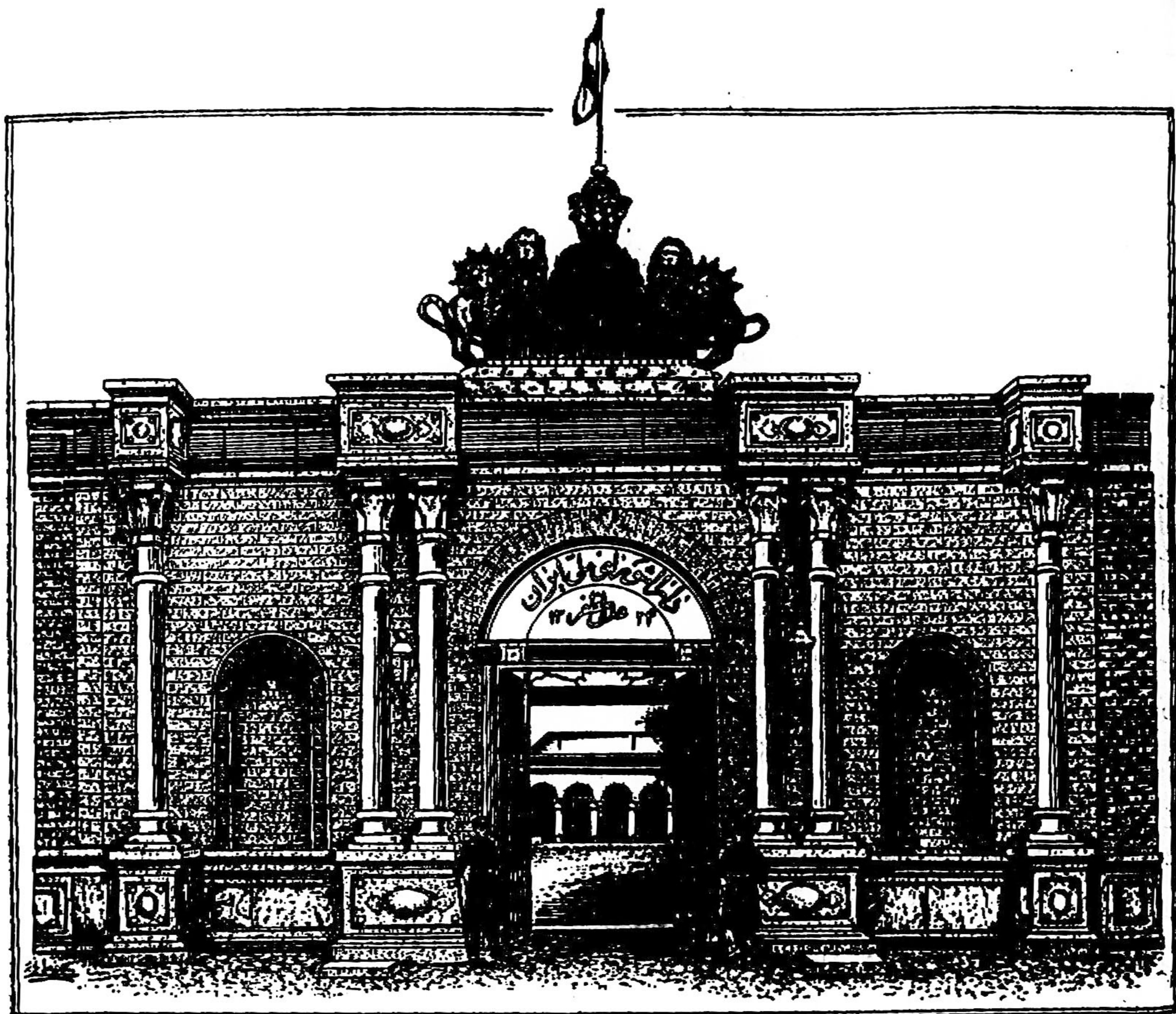


دوره ششم تقنیه

<p>جلسه ۲۲۱</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۸۶</p>
<p>تاریخ تأسیس، آذر ۱۳۰۵ جلسه یکه یکشنبه ۲۰ اسفند ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۸ رمضان المبارک ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعه مجلس</p>	<p>قیمت اشتراک داخله ایران، مالیات، ده تومان خارجی، ده و دو زده تومان قیمت تک شماره پنج تومان</p>

از صفحه	الی صفحه	عنوان
۳۹۰۱	۳۹۰۰	سوال آقای فرومند از آقای وزیر پست و تلگراف راجع به تعطیل تلگراف بی سیم و هم چنین موضوع غرامت سیم تلگراف و جواب آقای وزیر
۳۹۰۶	۳۹۰۱	مذاکره نسبت بخر کسبیون بودجه راجع به اجازه پرداخت مخارج غیر ثابت وزارتخانهها بابت بودجه اضافی ۱۳۰۵ در جزء اعتبارات ۱۳۰۶ و تصویب آن
۳۹۲۵	۳۹۰۷	تعطیل مذاکرات نسبت بخر بین الشوریون کسبیون قوانین مالییه راجع به مالیات خالصجات انتقالی و تصویب قانون مزبور
	۳۹۲۴	تصویب مرخصی آقای ابراهیمی
۳۹۲۶	۳۹۲۵	قانون مالیات خالصجات انتقالی
۳۹۲۹	۳۹۲۷	قانون اجازه منظور داشتن مخارج غیر ثابت وزارتخانه ها بابت بودجه اضافی ۱۳۰۵ جزء اعتبارات ۱۳۰۶



# مذاکرات مجلس

## دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس ليله يكشنبه ۲۰ اسفندماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۸ رمضان المبارک ۱۳۴۶

### جلسه ۲۲۱

غائبین با اجازه جلسه قبل  
آقایان: افشار - شریعت زاده - محمد تقیخان اسعد  
آیه الله زاده اصفهانی  
غائبین بی اجازه جلسه قبل

مجلس سه ساعت از شب گذشته برپاست آقای  
پیرنیا تشکیل گردید  
(صورت مجلس ليله پنجشنبه هفدهم اسفندرا آقای  
بنی سلیمان قرائت نمودند)

آقایان: اسدی - اعظمی - نظام مافی - قوام شیرازی  
مهدوی - جوالشیر - میرزا حسنخان وثوق - محمود رضا  
حاج غلامحسین ملک - زنگنه

در آمده بی اجازه جلسه قبل  
آقای حاج شیخ بیات

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در صورت جلسه نوشته شده  
است که بنده پیشنهادم را مسترد کردم، مسترد نکردم،  
مسترد کردم

رئیس - صورت مجلس اعتراضی دارد یا نه  
(گفتند - خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد

وزیر پست و تلگراف - لایحه اضافات ۳۰۵ در  
چند جلسه قبل اینجا مذاکره شد فقط برای اینکه  
جزئیات آن توضیح داده نشده بود مراجعه شد به کمیسیون  
و کمیسیون اقلام جزء آنرا نوشته اند و با یک تبصره  
که بنظر آقایان میرسد چون موقع میگردد و ده روز  
بیشتر به آخر سال نداریم و اگر تصویب نشود کارهای  
مهمی که ما داریم به تعویق میافتد استدعا میکنم اگر  
آقایان کارمجلس دیگر ندارند این قضیه را تصویب بفرمایند  
بعد بسایر کارها اقدام فرمایند

وزیر فواید عامه - دو فقره لایحه است که تقدیم  
ریاست محترم مجلس شورای ملی میشود یکی راجع به امتیاز  
کبریت سازی اصفهان است اعطای امتیاز انحصاری به مدت  
سی سال به آقای اسمعیل آقا افشار و دیگر راجع به  
بیست هزار تومان از اضافه عایدات مالیات راه است در  
۳۰۶ که برای تعمیر سدهای آذربایجان و رفسنجان و غیره  
تخصیص داده شده است

رئیس - آقای فرهمند از آقای وزیر پست و تلگراف  
سؤالی داشتند

فرهمند - تقریباً در دو ماه قبل بنده دو فقره سؤال

همانطور که خودشان مطلع شده اند تقریباً از یکماه باین  
طرف نواقصی که در بین بود رفع شده است و بطوریکه  
آقایان در جرائد ملاحظه فرموده اند عجبالتأ با اروپا  
و آنقره و روسیه مخاربه میکنند و همه روزه قریب دوپست  
سیصد الی چهار صد تلگراف مخاربه میکنند و شب و روز  
مشغول هستند و اما راجع بقرامت با حضور خودشان  
و چند نفر از آقایان که در اینجا سؤال کرده بودند  
کمیسیون تشکیل دادیم و قبل از این هم که آقایان  
سؤالان بفرمایند اداره در نظر داشت راجع به این  
موضوع اقدامی نکند و در دوسه محل هم اقدام شد  
ولی معلوم شد اهالی از این اقدام سوء استفاده  
می نمایند. بنده این موضوع را به هیئت دولت  
به عقیده مساعد خودم اطلاع دادم و تذکر دادم  
که اگر اینموضوع بر طرف شود و با بودن امنیه و  
نظمیه این قرامت از مردم گرفته نشود که این کمیسیون  
برای آسایش مردم بهتر باشد و در دو جلسه قبل در  
هیئت وزراء این مسئله مطرح شد و چون اصلاً قانونی  
نبوده است با عقیده کمیسیون موافقت فرمودند و تصمیم  
گرفته شد که این قضیه ملغی شود و در صورتیکه در  
یک جائی اتفاق افتاد از مجرای قانونی اقدام شود و  
مرتبک حقیقی به محاکم صالحه جلب شود تا موافق  
قانون عمومی مجازات شود.

رئیس - راجع بدستور پیشنهادی رسیده است از آقای  
وزیری که خبر کمیسیون مبتکرات راجع به حقابه ساوه  
مطرح شود. آقای وزیر  
وزیری - سابقاً هم عرض کردم که مدن است این  
خبر از کمیسیون مبتکرات آمده و منتشر شده است و  
اغلب آقایان هم ملاحظه فرموده اند پنج دقیقه هم بیشتر  
وقت نمیخواهد که قابل توجه و بکمیسیون ارجاع شود  
رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا (رفیع) - بطوریکه خود آقا حس  
فرموده اند هیچکس از آقایان نمابندکلت با این طرح

مطلبی که در وزارت پست و تلگراف کردم یکی راجع به تعطیل  
تلگراف است. سیم بود که آن اوقات تقریباً چهل روز تعطیل شده  
بود و بواسطه کسر لوازمو بود که با جدیدت آقای وزیر پست و تلگراف  
رفع تعطیل شد. یکی هم موضوع قرامت سیم تلگراف  
است در ولایات که فوق العاده اسباب زحمت مردم است.  
مخصوصاً خاطر نمایندگان ولایات متوجه است که این  
قضیه که از آثار دوره های ظلم و جور است هنوز باقی  
مانده است و با اینکه هیچ قانون و نظامنامه اجاره  
نداده است که از مردم بعنوان جرم و قرامت پولی گرفته  
شود در اداره تلگراف معمول است تیر و سیمی که سرقت  
میشود بعنوان اینکه در فلان ملک یا در فلان خاک  
سرقت شده است بابتی صاحب ملک از عهده قرامت  
بر آید در صورتیکه هیچکس نمی آید در ملک خودش  
تیر یا سیم تلگراف را سرقت کند بعد هم دچار حبس و  
زجر و قرامت شود. در چندی قبل راجع باینموضوع  
بنده سؤالی از آقای وزیر پست و تلگراف کردم يك  
کمیسیون راجع باینموضوع تشکیل شد بنده و آقای کازرونی  
و آقای حقنویس هم حاضر شدیم در آن کمیسیون و مذاکراتی  
شد بعد هم با رؤسای اداره مذاکرات کردیم بالاخره معلوم  
شد این پولیکه بعنوان قرامت گرفته میشود مجوز قانونی  
ندارد و در حقیقت يك ظلم فاحشی است که مردم می  
شود: شب مردم در خانه شان خوابیده اند از هیچ جا  
مستحضر نیستند فردا مأمورین می آید و آنها را میبرند  
بجس و زجر و يك قرامتی هم از شان می گیرند  
بالاخره در آن کمیسیون قرار شد که راپرت قضیه را به  
هیئت دولت بدهند و آنجا مذاکره کنند که موضوع  
قرامت از بین برود و اگر کسی سیم یا تیر تلگراف را  
سرقت کرد سارق را بدست بیاورند و مطابق قوانین مملکتی  
مجازاتش کنند و قرامت را از او بگیرند خواستم به بینم  
آقای وزیر پست و تلگراف چه اقدامی فرموده اند و نتیجه اش  
بکجا منتهی شده است

وزیر پست و تلگراف - راجع به تلگراف بی سیم

مخالف نیست ولی يك مسئله ایست که آقای وزیر پست  
و تلگراف تقاضا کردند جزو دستور شود قضیه هم مهم  
است اجازه بفرمایند همان مسئله جزء دستور شود غیر  
از شبهای احیا هم ما حاضریم تا آخر ماه مبارک همه  
شب حاضر شویم و تمام این کارها را بگذرانیم.  
خوب است آقا هم موافقت بفرمایند با پیشنهاد های  
وزیر پست و تلگراف - ما هم با آقا موافقیم  
وزیری - بنده هم قبول میکنم  
رئیس - پیشنهاد آقای وزیر پست و تلگراف مخالفی  
ندارد؟

(گفته شد خیر)

رئیس - ماده اول قرائت میشود

(اینطور خوانده شد)

ماده اول - مجلس شورای ملی اجازه میدهد که  
اعتباراتی که برای مخارج غیر نابته وزارتخانه ها بابت  
بودجه اضافی ۱۳۰۵ وزارتخانهها در ضمن قوانین اعتبارات  
اضافی تصویب شده بشرح ذیل جزء اعتبارات ۱۳۰۶  
منظور و تعهد پرداخت آن بر طبق قانون محاسبات عمومی  
صورت گیرد هر قلم یا مبلغی از این اعتبارات در موعد مقرر  
قانونی ۱۳۰۶ تعهد و یا پرداخت نکردد مطابق مواد  
۴ و ۵ قانون محاسبات عمومی به بودجه ۱۳۰۷ مملکتی  
انتقال داده شده که بمصرف مخارج مصوبه برسد

رئیس - آقای رفیع

رفیع - موافقم

رئیس - آقای بامداد

بامداد - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده نواقص این مسئله را در  
کمیسیون هم عرض کردم حالا هم عرض میکنم سنه ۱۳۰۶  
تمام شد و ده روز بیشتر به ۱۳۰۷ نداریم دولت هم  
کاملاً حاضر است بودجه اش را بیاورد و این اعتبارات

حالا که تمام شده است بگذارند از بین برود و در ۳۰۷ دو مرتبه لایحه اش را بیاورند. چرا ؟؟ برای اینکه من يك اصلي را كاملاً مواظب هستم و آن اصل این بوده است که چهار پنج سال است در وزارتخانه های ما يك اصلي برقرار شده است که آن اصل صرفه جوئی است این آقایان وزراء در اینجا کم کم شروع کرده اند به يك مسائلی که تحت عنوان صرفه جوئی که احتمال میدهم خزانه ما همیشه پر باشد باین عبارتها و از ماده به آن ماده انداختن کم کم دارند صرفه جوئی را از بین میبرند بنده مکرر عقابدم را اینجا پشت زبانون به عرض آقایان رسانده ام با این ترتیب کم کم دارد موضوع صرفه جوئی از بین میرود. بنده عرض میکنم دولت ، اکثریت دارد ، فعال هم هست ، پس فردا ۱۳۰۷ میشود لایحه این مخارج را بردارند بیاورند اینجا و الا با این طریقی که ما قرار داده ایم موضوع صرفه جوئی دارد از بین میرود این بود اصل منظور بنده حالا آقای مخبر مختارند

شیرازی مخبر کمیسیون بودجه ( در قسمت اول فرمایشاتشان که فرمودند این اعتبارات را برای ۳۰۷ بگذارند یا تجربه که خود ایشان و همه ماها داریم از بطوء جریان امور مسائلی که به مجلس می آید ( مخصوصاً در قسمت بودجه ) تصدیق خواهند فرمود که اگر این کار را ما به تاخیر بیندازیم يك سال به تاخیر می افتد ما بودجه مملکتی را يكسال ونیم رویش کار کردیم تا توانستیم يك ماه باخرسال مانده تقدیم مجلس کنیم اگر این اعتبارات بماند و در ۳۰۷ بخوانند يك لواجی برای آنها تهیه کنند و به مجلس تقدیم نمایند به کمیسیون بودجه برود و از آنجا به مجلس بیاید تصدیق فرمائید که عمر مجلس فعلی وفا نمیکند برای تصویب آنها اینها يك مسائل مصون است در مجلس شورای ملی اینها مطرح و تصویب شده است و البته هر يك باید بجای خودش خرج شود مخصوصاً قسمت سیم کشی بنا بر این تصور میکنم ایشان هم موافقت فرمایند يك رای به این لایحه داده شود و بموقع عمل

گذاشته شود، در مسئله صرفه جوئی هم که فرمودند بالاخره يك چیزی است که از بین نبرود. البته صرفه جوئی می شود و این قبیل مخارج نافع هم وقت با اجازه مجلس شورای ملی باشد در مقابل آن صرفه جوئی گمان نمیکم ضرری داشته باشد

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است  
 رئیس - رأی میگیریم بماده واحده ...  
 دکتر طاهری - دو ماده است  
 رئیس - پس مذاکرات راجع بکلیات بود. آقای تقی زاده مخالفید ؟  
 تقی زاده - بنده در کلیاتش هم عرضی دارم .  
 رئیس - پس راجع بکفایت مذاکرات فرمائید  
 تقی زاده - بنده يك مطلبي دارم که برای روشن شدن ذهن خودم که میخواهم رای بدهم لازم است پرسش و گمان میکنم رای سایر آقایان هم مفید باشد. اگر موقعش حالا نیست و در جای دیگر میتوانم عرض کنم که عرضی ندارم و الا اگر جایش حالا است آقایان اجازه فرمایند آن مطلب را اظهار کنم بعد رای گرفته شود.  
 رئیس - در ماده اول هم ممکن است اظهار کنید  
 تقی زاده - بسیار خوب. در ماده اول عرض می کنم.  
 رئیس - رای میگیریم بشور در مواد آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.  
 ( اغلب برخاستند )  
 رئیس - تصویب شد. ماده اول که قرائت شده است مخالفی دارد یا نه ؟ آقای تقی زاده  
 تقی زاده - عرض بنده راجع بيك قسمت از اعتبارات است که مربوط بسال قبل بوده است چون خوف آنست که سال منقضی شود و بمصرف نرسیده باشد و لازم است بمصرف برسد. گویا مقصود این است که دست دولت بسته نشود و در سال آتی هم بتواند همان اعتبارات را که بواسطه

انقضای سال از بین میرود بمصرف برساند بنده خواستم به بینم که این اعتبارات در صورتیکه مجلس بموجب يك قانون صریحی تصویب کرد که در هر سال ده نفر محصل از وزارت قوائد عامه برای تحصیل فنون متعلقه بنوب آهن و راه آهن بخارج فرستاده شود و بقراری که بنده اطلاع پیدا کرده ام تاکنون فرستاده نشده است آیا منظور این است که این اعتبار امسال در سال آتی برای ده نفر محصل امسال و اعتبار سال آتی برای ده نفر سال آتی است و در حقیقت در سال آتی بیست نفر فرستاده خواهد شد؟ اگر این طور است بنده هم با این ترتیب موافقم والا اگر غیر از این باشد یعنی بنا باشد از امسال محصل فرستاده نشود و يك قانون مصوب مجلس ازین برود بنده مخالفم

رئیس - آقای رفیع  
 حاج آقا رضا ( رفیع ) - سؤال آقای تقی زاده تقریباً يك سؤالی است و يك تذکری است که اغلب آقایان نمایندگان با این سؤال موافقت ولی خودشان شهادت می دهند که این لایحه آمد در مجلس شورای ملی مطرح شد. آقایان هم موافقت کردند ولی چون بعضی از آقایان اقلام آن را بجزء نمیدانستند خواهش کردند که برگردد به کمیسیون بودجه و بجزء نوشته شود که این مخارج رای چیست ؟ در کمیسیون بودجه تفکیک شد. يك قسمتش راجع به وزارت خارجه است که برای تعمیرات است و آقایان میدانند راجع به سفارت خانه ما در انگلستان است. راجع به وزارت معارف است راجع به سیم کشی است تمام این اقلام مهم است و اگر آنها در امسال خرج نشود دولت باید بتواند در سال آتی این مخارج را بنماید حالا البته دولت هم هست راجع به اعزام محصل خودشان جواب خواهند داد

مخبر - بنده شنیدم در این قسمتی که آقای تقی زاده تذکر دادند و خیلی هم صحیح بود شورای عالی معارف يك ابرادی گرفته است از نظر اساسنامه شورای عالی

معارف در صورتیکه آن موقع که مسئله در مجلس شورای ملی مطرح شد مجلس رای داد که از محل اعتبار عایدات راه آهن برای تعلیم گرفتن ذوب آهن و فنون راه آهن هر ساله ده نفر شاگرد به اروپا بفرستند و این لوازم حتمی راه آهن است و جزء سایر شاگردهائی که باید با اروپا فرستاده شود که تابع اساسنامه شورای عالی معارف باشد نیست و بنده عقیده دارم که شورای عالی معارف صلاحیت نداشته در ابتکار دخالت کند

رئیس - آقای یاسائی  
 یاسائی - بنده موافقم.  
 بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است  
 رئیس - پیشنهاد آقای تقی زاده  
 ( شرح ذیل خوانده شد )  
 تبصره ذیل را به ماده اول پیشنهاد میکنم :  
 تبصره - اعتبار مصوبه برای ارسال ده نفر محصل برای فرا گرفتن فنون متعلقه به راه آهن در سال جاری نیز در سال آتی بمصرف معینه خود برسد و از اعتبار ساقط نشود.  
 رئیس - آقای تقی زاده  
 تقی زاده - بنده در ماده اول توضیح کردم شاید بواسطه عجله که در نوشتن بوده است عبارت آنطور که باید نوشته نشده و شاید هم بعضی از آقایان فرمایند که این مطلب ربطی به این لایحه ندارد ولی بنده نمیدانم کجا يك تناسبی پیدا کنم که يك قانونی را بواسطه يك قانون دیگری مؤکد و محکم کنم ؟ بنده دو بار رسماً سؤال کردم يك بار از آقای وزیر معارف و یکبار از وزیر فواید عامه و الان هم تشریف دارند و مرتبه دوم رسماً به ما اطمینان دادند که در ظرف همین سال این شاگردان فرستاده میشوند. بنده کاری ندارم اگر بواسطه بعضی موانع و پیش آمد ها تاخیری شده باشد حرفی ندارم ولی به مجرد اینکه اسفند گذشت میگویند

این درجه اعتبار ساقط است و سال آتیه هم آن ده نفر خورش را در بودجه خودش خواهد داشت بنده مقصودی ندارم بهر عبارتی که میخوانند بیان شود. در ضمن ماده با به شکل تبصره یا ماده الحاقه یا بهر نحو که باشد دولت بما اطمینان بدهد که اعتبار ده نفر برای امسال هم در سال آتیه ساقط نمیشود و قانونی که مجلس گذرانده است از این نخواهد رفت. اگر ممکن است همین تبصره را قبول بفرمایند که اطمینان برای ما حاصل شود با بطریق دیگر به ما اطمینان بدهند بنده هم حاضر پیشنهاد را پس بگیرم...

وزیر مالیه - بنده تصور میکنم که بدون این تبصره مقصود آقا انجام شود زیرا این از وجوه مخصوصه و از اعتبار راه آهن است و مربوط بوجوه عمومی و وجوه مملکتی نیست که محکوم به قانون محاسبات عمومی باشد و با انقضای سال هم هیچ تفاوتی در این موضوع پیدا نمیشود و بعلاوه با آقای وزیر فوائد عامه که الان مذاکره میکردم فرمودند که مطلب قریب بحل شدن است و شورای عالی معارف هم قرار شده است که کاغذی بوزارت فوائد عامه بنویسند و قضیه را حل کنند و وقتی مطلب حل شد البته بوزارت مالیه بنویسند و وزارت مالیه هم این محل را تأمین میکند برای امسال و برای سال آتیه هم با وزارت معارف مطلب حل میشود. در هر حال این يك تمهیدی است که میکنیم و چون از وجوه مخصوصه است و از وجوه عمومی نیست چیزی نیست که بعد از انقضای سال مجلس از بین رود. ولی این مسئله برای بعد از این سابقه نشود.

تقی زاده - بنده استرداد میکنم رئیس - پیشنهاد دیگر

( اینطور خوانده شد )

بنده پیشنهاد میکنم تبصره ذیل علاوه شود: دولت مکلف است پس از تصویب این لایحه سیم تلگراف بین محرمه و عبادان را بدون معطلی دائر کند. موقر

ندارد. از چاهای دیگر که بنده خبر ندارم والا آنچه را هم اگر میدانم بیهوده است مخالفت میکردم اینچاره را که خبر دارم و میدانم که بیهوده است با اینجهت پیشنهاد کردم حذف شود

رئیس - آقای رفیع

رفیع - خوب بود که نماینده محترم اول لایحه را مطالعه می فرمودند و بعد مخالفت میکردند. مطالعه نکرده نمیشود مخالفت کرد ۱۱ اولاً برای این خطی که فرمودید ابدأ اعتباری در نظر گرفته نشده است و در لایحه سابق بود. بعلاوه در لایحه سابق هم که بود راجع به سیم کشی بین طهران و ورامین بود و بین حضرت عید العظیم (ع) و ورامین نبود ولی در این لایحه فعلی اسمی از آن جا برده نشده است. فرض میکنم اگر هم چنین چیزی بود و میخواستند در آنچه سیم تلگراف بکشند ما باید موافقت کنیم. چون دولت اینطور لازم دانسته و در نظر گرفته است و به يك نظری لابد دولت اینطور تصمیم گرفته است دستگاه تلگراف را برای بنده و حضرتعالی که نمیگذارند بالاخره خوب است آقا هم موافقت بفرمایند

رئیس - رای باید گرفته شود به ماده اول گویا به این پیشنهاد نمیشود رای گرفت. رای گرفته میشود به ماده اول آقایان موافقین قیام فرمایند

( اغلب قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد. ماده دوم

( بشرح ذیل قرائت شد )

ماده دوم - وزارت مالیه و وزارتخانه های مربوطه هر يك در قسمت خود مأمور اجرای این قانون میباشد بعضی از نمایندگان - مخالفی ندارد

رئیس - آقایان موافقین با این ماده قیام فرمایند

( اکثر برخاستند )

( بشرح ذیل قرائت شد )  
پیشنهاد میشود که اعتبارات مصوبه ضمیمه این ماده طبع در ماده علاوه شود مطابق صورت ضمیمه  
بعضی از نمایندگان - طبع شده است  
رئیس - آقای ضیاء

ضیاء - در صورتیکه صورت اعتبارات طبع شده است بطوری که بنده میشنوم و آقایان اعضاء کمیسیون میفرمایند بسیار خوب ولی خبرش هنوز توزیع نشده است بعضی از نمایندگان - توزیع هم شده است.

رئیس - منظور جنابعالی گویا نامین شده است در ضمن ماده نوشته شده است بشرح ذیل

ضیاء - در صورتیکه در ماده نوشته شده است برطبق اعتبارات مصوبه بسیار خوب بنده مسترد میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی

( بمضمون ذیل خوانده شد )

بنده پیشنهاد میکنم که اعتبار سیم ورامین و حضرت عید العظیم (ع) حذف شود.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده عقیده دارم که بر تمام افراد ماها بنده و تمام آقایان و کلاً لازم است که هر خرجی را که بدانند بی فایده و بی مصرف است نکنند و وجه آنرا برسانند به يك مصارفی که با صرفه بحال مملکت باشد. از جمله چیزهایی که بنده میدانم لازم نیست سیم کشی از حضرت عید العظیم (ع) به شهر ورامین است که اگر این سیم کشیده شود يك دستگاه تلگراف در ورامین و یکی در حضرت عید العظیم (ع) لازم است در صورتیکه خط تلفن از شهر ورامین به طهران هست و همه ساعت هم انومبیل می آید و میرود. در این صورت در ظرف سال هم يك نفری پیدا نمیشود که يك تلگراف از حضرت عید العظیم (ع) به ورامین بدهد فقط چیزی که هست هفت هشت هزار تومان خرج این سیم کشی میشود و نتیجه

رئیس -- تصویب شد. راجع بکلیات مخالفی نیست؟  
(گفتند خیر)

رئیس -- رای گرفته میشود باین لایحه با اوراق آقاپان موافقین اوراق سفید خواهند داد  
( اخذ واستخراج آراء بعمل آمده نتیجه بقرار ذیل حاصل شد )

ورقه سفید علامت قبول ۷۵  
ورقه کبود علامت رد ۱

رئیس -- عده حاضر ۹۶ با ۷۵ رای تصویب شد.  
اسامی موافقین - آقاپان: فرمند - امام جمعه شیراز  
آقا سید جواد محقق - روحی - لبقوانی - ذوالقدر -  
افسر - بهار - عصر انقلاب - خواجہ جوی - دشتی -  
کی استوان - عبادی - احتشامزاده - دادگر - کلالی  
شپروانی - میرزا عبدالحسین - وزیری - نوبخت - ملک مدنی  
اسفندیاری - میرزا سید مهدی معتمد - بالیزی - خطیبی  
بدر - کازرونی - حاج آقای حسین زنجانی - ثقة الاسلام  
بروجردی - عباس میرزا - ثقة الاسلامی - میرزا ابراهیم  
آشتیانی - موقر - امیر حسین خان - دکتر سنک - امیر  
اسدالله خان عامری - طباطبائی دببا - رفیع - امامی  
خوئی - سهراب خان ساکنیان - سلطان محمد  
خان عامری - آقا علی زارع - مسعود - میرزا عبدالله خان  
وثوق - باسائی - زوار - حبشیدی - آقا سید حسین آقاپان - مولوی  
حبیبی - محمد آخوند - اعتبار عدل - دکتر رفیع خان  
امین - ملک ابرج میرزا پور تیمور - مفتی - حشمقی  
دکتر مصدق - اسکندر خان مقدم - ابراهیمی - ملک  
آرامی - محمد ولی میرزا - وکیلی طباطبائی - اسکندری  
جهانشاهی - سید کاظم - تقی زاده - فهمی - دولتشاهی  
بنی سلیمان - نکمبان - امام جمعہ امر - افخمی -  
دیوان بیگی - دکتر لقمان

مخالف: آقای حاج شیخ عبد الرحمن صالحی

رئیس -- پیشنهاد آقای فیروز آبادی

( بنحو آتی خوانده شد )

بنده پیشنهاد میکنم که در دستور جلسه امشب اولاً  
خالصجات انتقالی در درجه دوم قرضه کارخانه ریسان  
باقی در درجه سوم لایحه چاه آرژین بزد مطرح شود  
وزیر مالیه - با قانون خالصجات انتقالی چون يك  
بیشتر نموده است موافقم ولی استدعا میکنم از آقای  
فیروز آبادی که اینطور بنمره دستور معین نفرمایند زیرا  
يك لواجی دادیم و با آقاپان هم مذاکره شده است من  
چله قانون سجل احوال باید تکلیفش در مجلس معلوم  
شود و اختلافانش در مجلس معلوم شود که برود به کمیسیون  
و اصلاح شود و خوب است فعلاً لایحه قانون خالصجات  
انتقالی مطرح شود تا بعد تکلیف سایرین معلوم شود

فیروز آبادی - اجازه میفرمائید

رئیس -- بفرمائید

فیروز آبادی - عرض میشود این پیشنهادی را که  
بنده کردم يك پیشنهادی است که چند مطلب درش  
هست اگر معطل نشود هر کدام ده دقیقه یا يك ربع  
بیشتر کار ندارد و هر کدام هم خیلی مهم است و چیزهایی  
است که بفتح این مملکت تمام میشود. يك کارخانه  
است که بیست هزار تومان قرض میخواهد و حالا سه  
ماه است که این کارخانه باز شده است و فعلاً این  
کارخانه روزی دوازده بقیچه نخ میدهد که اگر این قرض  
باو داده شود شبانه روزی صد و بیست بقیچه نخ خواهد  
داد و این لایحه سه ماه است که در مجلس معطل  
مانده در صورتیکه ده دقیقه بیشتر وقت لازم ندارد و  
بنده گمان میکنم که با این مسئله اصلاً نمیشود مخالفت  
کرد...

رئیس - چون عده کافی نیست و آقاپان شریف  
نمیآورند چند دقیقه تنفس میشود.

( در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و بفاصله  
نیمساعت مجدداً تشکیل گردید )

رئیس -- باید به پیشنهاد آقای فیروز آبادی رای گرفته

شود پیشنهاد دیگری هم هست آنهم قرائت میشود.  
( بشرح ذیل خوانده شد )

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

پیشنهاد میشود که خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع  
بخالصجات انتقالی مطرح شود

بعضی از نمایندگان - صحیح است

رئیس -- اول رأی میگیریم به پیشنهاد آقای فیروز  
آبادی ..

بعضی از نمایندگان - مخالفی ندارد

رئیس -- خوباً راجع به پیشنهاد ایشان مخالفت شد

خطیبی - در قسمت اولش که مخالفی نیست

رئیس -- تجزیه که نکردند. رأی میگیریم اول به  
پیشنهاد آقای فیروز آبادی موافقین قیام فرمایند  
( عده کمی برخاستند )

رئیس -- تصویب نشد. رأی گرفته میشود به پیشنهاد  
آقای دکتر طاهری آقابانیکه موافق هستند قیام فرمایند  
( اغلب قیام نمودند )

رئیس -- تصویب شد ماده سوم

( این نوع خوانده شد )

ماده ۳ - در املاک خالصه انتقالی حداکثر مالیات  
خالصکی صدی ۵۰ عایدات متوسط خالص مالکانه است و هرگاه  
مالیات معمولی فعلی املاک مزبور اضافه بر صدی ۵۰ مذکور  
باشد و زار نمالیه مکلف است نامیزان صدی ۵۰ آرا تنزل دهد  
اگر کمتر است همان مالیات فعلی مالیات خالصکی خواهد  
بود مگر اینکه مالیات فعلی کمتر از مالیات املاک اربابی  
باشد در این صورت وزارت مالیه آرا تا حد میزان  
مالیات املاک اربابی ترقی خواهد داد. از تاریخ تصویب  
این قانون تا دو سال وزارت مالیه باید املاک خالصه  
انتقالی را میزنی نموده و مالیات آنها را مطابق مقررات  
قانون املاک اربابی معین کند که همه ساله مطالبه و  
وصول نماید و اضافه مالیات خالصکی را که فوقاً ذکر

شد بر مالیات اربابی تومانی پنج تومان قیمت کرده از  
مالکین سند ذمه بگیرند که به سه قسط متساوی  
سالیانه بپردازند و محصول ملک در هر سال وثیقه  
تأدیه قیمت خواهد بود ولو اینکه نقل و انتقالی هم در  
ملکش بشود

تبصره ۱ - مراد از عایدات متوسطه نك عایدات  
سه ساله اخیر است

تبصره ۲ - خالصجات انتقالی که در سه سال اخیر  
مسلوب المنفعه بوده اند مشمول مقررات قانون مالیات  
املاک اربابی خواهند بود

تبصره ۳ - در موقع تقدیم اضافه مالیات خالصکی  
قیمت جنس مالیاتی نرخ متوسط پنج سال اخیر حوزه  
بلوکی و در املاکی که مالیات معمولی و کثونی آن  
تقدیمی است مأخذ خریداری همان مالیات تقدیمی  
خواهد بود.

مخبر - اجازه میفرمائید؟

رئیس -- بفرمائید.

فهمی ( مخبر کمیسیون قوانین مالیه ) - اینجا يك  
اشتباهی در چاپ شده است و بنده یاد داشت کرده بودم  
معمداً نخواندند. در سطر دوم مابین معمولی و فعلی لفظ  
پرداختی هست که میشود ( معمولی پرداختی فعلی و یکی  
دیگر آنجائیکه خواندند ملکش آن ( ش ) اضافه است و  
ملك است.

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب يك نظریاتی در این ماده بنده دارم  
که آقای مخبر محترم خوب است توجه بفرمایند و در صورتی  
که نامین بکنند نظریات بنده را بنده مخالفتم را مسترد  
میکم. اینجا نوشته است در جزء اول که دولت مکلف  
است در ظرف در سال املاک خالصه انتقالی را میزنی  
کند: این صحیح است ما قانون را مینویسیم و بدست  
وزراء میدهیم عمل کنند، من سوء ظن ندارم که آقاپان  
وزراء بقانون عمل نمیکنند. ولی عملی نشدن شاید بواسطه

این است که در مملکت ما اسباب جریان قانون کمتر است و در ظرف مدتیکه در مجلس شورای ملی معین میشود قانون عمل نمیشود، اما قانون ممیزی برای املاک اربابی گذرانندیم که امروز که سال دوم است باید وزارت مالیه بیاید اینجا و یا پیشانی باز بگوید که من تمام مملکت را ممیزی کردم، حالا من نمیتوانم ابرادی به وزیر مالیه بگویم که چرا اجرا نشده است. برای اینکه صداها بلند شده است در طرف آذربایجان و لرستان که نمیشود این قانون را عمل کنند. حالا هر چه هست آنجا نوشته شده بود دو سال و عملی نشد و من نمیتوانم تکلیفی برای وزارت مالیه معین کنم و ناچارم که در اینجا بیک ترتیب دیگری این لایحه را ترتیب بدهیم که عملی شود در این جا در لایحه خالصجات انتقالی ما میگذرانیم و دولت را مکلف میکنیم که قانون را در ظرف دو سال عملی کند اگر نکرد چه میشود؟ شما میگویید میکند ولی بنده میگویم که عملی نیست و اگر نکرد چه میشود؟ بنده عقیده ام این است که اگر بعد از دو سال ممیزی نشد و وزیر مالیه آنوقت متعذر بیک عذری شد بعد از دو سال ناچار است که آن خالصه انتقالی مطابق املاک اربابی باید مالیات بدهد. چرا؟ چون امروز ما با دولت قرار میگذاریم که در ظرف دو سال ممیزی کند خود آقای وزیر مالیه هم در کمیسیون قوانین مالیه بوده اند و این شرط را قبول کرده اند ما هم از طرف ملت این شرط را قبول میکنیم اما اگر دولت تخلف کرد یک مجازاتی برای او معین میکنیم. مجازاتی نداریم مگر اینکه بگوئیم بعد از دو سال اگر دولت عمل نکرد و موفق نشد باید آن ملک مثل املاک اربابان مالیات بدهد این يك موضوع است که عرض کردم و اگر قبول نکردند پیشنهاد میکنم و اگر پیشنهاد هم رد شد اهمیت ندارد، دوم عرضی که دارم این است که يك کاری این جا کرده اند که هر چه ما میخواهیم گریبان مردم را از دست تحصیلدارها بیرون بیاوریم باز بیک زنجیر دیگر گرفتار میشوند اینجا نوشته

سال بی در پی حاصل ندارد. يك جائی است پنجسال چهار سال بی در پی حاصل ندارد پس مناط را سه سال قرار دادن بنده مخالف هستم و باید بیشتر از این قرار بدهید برای اینکه ما می بینیم که بعضی جاها است که گاهی میشود نه سال، ده سال بی در پی حاصل ندارد، مثلاً در شیراز ممکن است بعضی مواقع هشت، نه سال ملخ بیاید و يك دفعه محصول را از این میبرد و ده سال هم ملخ نمی آید و حاصلش خوب میشود همینطور است در جاهای دیگر که ممکن است سه سال بی در پی سن بیاید و پنجسال حاصلش خوب و بی آفت بشود پس مناط را سه سال قرار دادن هم ممکن است ضرر برای صاحب خالصه باشد و هم ضرر برای دولت، در تبصره دوم گرچه وقتی مادو تبصره اول وارد میآید از تبصره دوم آن ضرری که به مردم از تبصره اول وارد میآید از تبصره دوم جبران شود ولی بنده این نظر را ندارم، عقیده ام این است که هر دو تبصره درست نوشته شود که هم ملاحظه مردم بشود و هم ملاحظه خزانه دولت را بکنیم مناط را سه سال قرار دادن با دیدن این آفات غالباً سه سال بی در پی واقع میشود این محل ایراد است باید پنجسال قرار دهید تا اینکه از هر دو طرف تعدیل بشود والا اگر غیر از این باشد نقض غرض است. در تبصره سوم نوشته است که در موقع تقویم اضافه مالیات خالصگی قدمت جنس مالیات نرخ متوسط پنجسال اخیر حوزه است، اینجا خود کمیسیون ملتفت شده و مناط را پنجسال قرار داده است وقتی که اینجا پنجسال مناط اعتبار قرار داده شد در تبصره اول و دوم هم باید مناط پنجسال قرار داده شود این منظور بنده در اینجا بود حالا به بینم آقای مخبر چه میگویند

مخبر - مقدمه این را باید عرض کنم که در این قانون بعد از اصلاحاتی که بعمل آمده است بالاخره آنچه که تصور میشد نسبت به صاحبان خالصجات انتقالی مساعدت و همراهی شده است مخصوصاً ترتیبی را که از ترکیب

ماده ۳ و ۴ خبر سابق تشکیل ماده ۳ فعلاً پیشنهاد کاملارعايت حال مالکین خالصجات انتقالی بعمل آمده است حقاً این بود همانطور که سابق پیشنهاد شده بود پس از اینکه دولت تفاوت مالیات را معین کرد و قیمتش هم ثابت شد زمه مالکین باشد تا وقتی که متدرجاً بپردازند و مادام که نپرداخته اند میبایستی مالیات خالصگی را بدهند و هر وقت که تمام اقساط را پرداختند مالیات ملک اربابی بدهند. اینجا در نتیجه پیشنهاد آقای مدرس و موافقت آقایان بعکس شد یعنی قرار شد که از سال ۱۳۰۷ وزارت مالیه کلیه این املاک را ممیزی کند و مطابق میزان مالیات املاک اربابی مالیات آنها را معین نماید یعنی از ۱۳۰۷ این املاک کلیه مالیات املاک اربابی بدهند و اضافه مالیات را به پنج برابر قیمت کنند و سند زمه از آنها بگیرند و این در حقیقت يك دینی است که بدولت دارند. بر فرض آنکه در ظرف دو سال ممیزی آنها تمام نشد و حال آنکه تمام میشود بجهت این که املاک خالصه انتقالی در این سنوات همیشه شکایت از زیادی مالیاتش داشته اند و منتهی به رسیدگی و ممیزی شده است و فعلاً خیلی کار سبلی است و بخوبی و آسانی می توانند حق مالک را تشخیص بدهند و مالیات را معین کنند و يك زحمت فوق العاده از برای وزارت مالیه بجهت تشخیص مالیات آنها نخواهد بود بر فرض اینکه بفرض محال در آخر دو سال ممیزی تمام نشد مطابق این قانون از اول ۱۳۰۷ مدیون مالیات اربابی هستند و اگر تفاوت از آنها بعنوان مالیات خالصگی مطالبه و در یافت شود از باب اقساطی و بعد باید بدهند با آنها محسوب خواهند کرد که دیگر آنها در سال آتی مالیات خالصگی نخواهند پرداخت نهایت اگر تشخیص داده نشده بود آن تفاوت قیمت را بابت قیمت اضافه مالیات که بدولت باید بدهند باید با آنها محسوب شود. پس از این حیث اشکالی نیست و اما وثیقه گذاشتن این را تصدیق میفرمائید که همه مجلس موافق است بمساعدت باین قسمت از مالکین مملکت



که مالکین خالصجات انتقالی هستند و میخواهیم که به آنها رعایت و ارفاق شده باشد در عین حال باید یک قضیه لازمتری را در نظر بگیریم و آن حفظ بیت المال مملکت است. این قسمت را که ما با آنها میفروشیم و باید از آنها سند ذمه گرفته شود مال اشخاص که نیست مال بیت المال است و حفظ این قسمت بمعده مجلس شورای ملی است. ما نباید اینجا يك زنبی بدهیم و پیش بینی نکنیم مطلب را که بکلی این قسمت از بین برود. وقتی که این مساعدت شد که اینها از اول سال آتیه مالیات املاک اربابی بدهند چه وثیقه خواهد بود که آن ها مالیات خالصگی خودشان را خریداری کنند و قیمت را بپردازند؟ سابق ما در نظر گرفته بودیم که ناوقتیکه خریداری نکرده اند مالیات خالصگی بپردازند. این شرط برداشته شد. دیگر چه مطلبی تضمین خواهد کرد که تا سه سال اینها اقساط خودشان را بپردازند؟ این وثیقه نه فقط برای خالصجات انتقالی باید باشد بلکه برای کلیه مالیاتهایی که به دولت باید بپردازند يك چنین شرایطی باید باشد قانون وصول مالیات ناچار يك شرایطی خواهد داشت که برای مؤدیان چندان خوش آمدنیست ولی البته هر مدبونی باید دین خودش را بپردازد و در این جا شرط فوق العاده نیست حصول ملك وثیقه است البته يك قسمت از بدهی همان است که سابق بعنوان مالیات خالصگی میپرداخته است و فعلا يك قسمت هم باید اضافه بدهد که تا سه سال تمام قیمت تفاوت مالیات را بپردازد و وقتی که وزارت مالیه باید این طلب خزانه را وصول کند و وثیقه دیگری در دست نداشته باشد ناچار است که آن محصول را بعنوان وثیقه در دست داشته باشد تا وقتی که قسط خودش را وصول کند و از اول اردی بهشت هم شروع نمیکند به این کار زیرا آنوقت موقع حصول نیست ولی در سر حصول ناچار باید دولت يك وثیقه داشته باشد. حالا اگر حضرات عالی يك چیز دیگری بنظر آن میرسد آنرا بفرمائید اگر طرف قبول واقع شد آنرا

وثیقه قرار میدهیم. و امانت به نیک عایدات سه سال اخیر وقتی که مالیات این املاک بر کشت به صورت مالیات املاک اربابی باید شرایطی را که در قانون مالیات املاک اربابی قید شده است در این جا هم رعایت شود. در آنجا قید شده است بهر ملکی نصف یا بیش از نصف خسارت وارد آمد یا آفت دید باید مالیات آن سال تخفیف داده شود. در املاک خالصه انتقالی هم بر فرض اینکه یکسال ملخ یا آفت آمد البته مطابق آن ماده به آنها هم تخفیف داده خواهد شد. طوری نیست که حب المقاطعه باشد که هر ساله مطالبه شود. پس از این حیث هم اگر رعایت یا عدم رعایتی از آنها میشود همان است که با مالکین املاک اربابی میشود و اگر چیزی هم بنظر میرسد ممکن است آقایان بفرمایند شاید بشود در نظر گرفت.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است  
رئیس - پیشنهاد آقای عدل  
(بمضمون ذیل خوانده شد)  
پیشنهاد میکنم در ماده ۳ عوض عبارت (محمول ملك در هر سال وثیقه نادیده قیمت خواهد بود) نوشته شود: (و سهم اربابی محصول).  
رئیس - آقای عدل  
عدل - این پیشنهاد توضیح زیادی لازم ندارد و همان مطلبی است که آقای آقا سید یعقوب فرمودند. این جا نوشته است: محصول ملك هر ساله وثیقه نادیده قیمت خواهد بود و در صورتی که قیمت زسید آن وقت دولت مجبور است که محصول ملك را توقیف کند و حق خودش را بگیرد اگر بنویسیم (محمول ملك) آنوقت دولت حق خواهد داشت مال رعیت را هم توقیف کند و حال آنکه مقصود سهم اربابی ملك است  
مخبر - صحیح است مقصود هم همین است و محصول تمام ملك نیست سهم اربابی است

رئیس - پیشنهاد آقای دادگر

(شرح ذیل قرائت شد)

بند پیشنهاد می کنم جمله اول ماده ۳ این طور اصلاح شود حداکثر مالیات خالصگی صدی پنجاه عایدات فرض میشود

رئیس - آقای دادگر

بکنفر از نمایندگان - نیستند

رئیس - پیشنهاد آقای دهستانی

(بترتیب ذیل قرائت شد)

پیشنهاد می کنم تبصره سوم به قرار ذیل نوشته شود.

تبصره - میزان تسعیر جنسی اضافه مالیات خالصگی هر ملکی بنرخ متوسط پنجسال اخیر در آن محل خواهد بود و در املاکی که مالیات معمولی فعلی آن تقدی است مأخذ خریداری همان مالیات تقدی خواهد شد

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - عرض کم قسمت اخیر پیشنهاد بنده مطابق چیزی است که در همین جا هم نوشته شده است ولی قسمت اول در اینجا مینویسد: در موقع تقدیم اضافه مالیات بنده گمان میکنم اگر نوشته شود در موقع میزان تسعیر بهتر بود از تقویم اضافه مالیات.

بعضی از نمایندگان - تقدیم

دهستانی - بله. ولی در اینجا نوشته است در موقع تقدیم اضافه مالیات خالصگی بعد هم قیمت جنس مالیاتی را نوشته است که معنی ندارد بنده پیشنهاد کردم تسعیر جنس اضافه مالیات خالصگی نوشته شود

رئیس - آقای ملك مدنی

ملك مدنی - منظور آقای دهستانی در این تبصره نامین شده است و گمان میکنم این عبارت وافی ز است از آن پیشنهادیکه ایشان کرده اند تقدیم هم در مطبوعه اشتباه شده است تقویم است تقویم اضافه مالیات خالصگی

بند تصور میکنم همین عبارت وافیست و خوب است ایشان استدلال بفرمایند

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای دهستانی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند  
(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب  
(شرح ذیل قرائت شد)

تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم.  
در صورتیکه در ظرف دو سال ممیزی خالصه انتقالی بعمل نیامد بعد از دو سال مالیات محلی که ممیزی نشده است مطابق مالیات املاک اربابی پرداخته خواهد شد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - جوابی را که آقای مخبر فرمودند بنده باز عبارت ماده را میخواهم. هیچ همچو چیزی نبود که دولت در اول ۱۳۰۷ باید از این املاک مالیات اربابی بگیرد. اگر همچو چیزی بود بنده پیشنهادم را پس میکنم. ولی این نیست الان دولت در ۳۰۷ همان مالیات را بعنوان مثال خالصگی خواهد گرفت. اگر در ۳۰۷ مالیات را اربابی میگرفت و تفاوت را بعد میگرفت بنده کاملاً موافق بودم. اما اینجور نیست چون ما دیده ایم و این عمل واقع شده است در دو سال ممیزی نمیکند و آن نظری که مجلس داشت و خود دولت داشت که بساط اداره خالصه انتقالی را از بین بر دارد و این قید را دیگر از مملکت بر دارد این باز باقی میماند. بنده در اینجا يك قیدی را پیشنهاد کردم که دولت را ملزم کند که اول ۳۰۷ ممیزی شروع کند ولی آقای مخبر بفرمایند خیر اول ۳۰۷ دولت باید مالیات را اربابی بگیرد. اگر این ماده چنین چیزی داشت من پیشنهادم را مسترد میکنم و اگر نامین نکند میترسم مجلس رای نهد و آنوقت يك مسئله

اساسی از بین برود. اگر آقای وزیر مالیه با آقای مخبر تأمین میکنند که اگر بعد از دو سال ممیزی بعمل نیامد آن محلی که ممیزی نشده است باید مالیات املاک اربابی بدهد. آنوقت بنده استرداد میکنم و الا رای گرفته شود رئیس -- رای میگیریم آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند  
(عده کمی قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد پیشنهاد آقای دشتی  
(باین ترتیب خوانده شد)  
اصلاح عبارتی ذیل را پیشنهاد میکنم:  
جمله که (همه ساله مطالبه و وصول نماید) از سطر دوم حذف شود.

رئیس -- آقای دشتی

دشتی -- توضیح زیادی ندارد. این جمله بکلی زاید است. برای اینکه بالاخره مالیاتی را که وضع میکنند برای این است که هر ساله بگیرند. این دیگر نوشتن ندارد. باید هر ساله گرفت. اگر اینطور باشد باید نوشت که به خزانه برسانند و حواله بکنند و همه اینها را بنویسند در صورتیکه اینها لازم نیست در قانون ذکر شود  
مخبر -- پس از توضیح مسئله بنده این پیشنهاد را قبول میکنم مقصود این است که ممیزی که کردند مالیات را از همان قرار بگیرند بعد اضافه مالیات را بخرند ولی اگر این قید را نکنند این مقصود را نمیرساند و ما این جمله را برای همین نوشتیم که باید از حالا شروع بکنند و مالیات اربابی بگیرند و اضافه مالیات را قیمت کنند و از صاحبان آنها سند بگیرند تفاوت در این است حالا اگر بخواهید ممکن است يك کاری بکنیم این جمله را برداریم بنویسیم از ۱۳۰۷ به بعد. ولی گمان می کنم این جمله مقصود آقای آقا سید بقوب را هم تأمین میکند

رئیس -- آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند

قیام فرمایند.

(عده کمی برخاستند)

رئیس -- قابل توجه نشد پیشنهاد آقای دهستانی

(باین مضمون خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در تبصره سه پنجمسال اخیر نوشته شود سه سال اخیر

رئیس -- آقای دهستانی

دهستانی -- بنده میدانم که آقایان تصمیم گرفته اند بهیچیک از پیشنهادها رای ندهند ولی خواستم از آقای مخبر توضیح بخواهم چرا در قسمت عایدات نوشته اند سه سال و در موقوع تقویم اضافه مالیات خالصکی نرخ متوسط پنجمسال اخیر را نوشته اند؟

علت اینکه در اینجا پنجمسال قائل شده اید چه دلیلی داشته است خواهش میکنم اگر نظریه خاصی نیست اینرا هم همان سه سال قرار بدهید

رئیس -- رای میگیریم آقایانیکه پیشنهاد آقای دهستانی

را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد پیشنهاد آقای کازرونی

(باین مضمون قرائت شد)

ماده سه را بقرار ذیل پیشنهاد میکنم

ماده ۳ -- مالیات املاک خالصه صدی چهارم از عایدات خالص يك خس از کل عایدات پنجمسال اخیر خواهد بود

رئیس -- آقای کازرونی

کازرونی -- عرض کنم بنده چندان اصراری ندارم فقط من باب تذکر میخوام عرض کنم. اگر چنانچه صلاح دانستند آقای مخبر توضیح بدهند که اقلاً تا اندازه بنده قائم شوم. غرض اصنی یعنی یکی از آن مقاصدی که در تقدیم این لایحه بوده این بوده است. که مالیات را تا اندازه متحد الشکل نمایند. این یکی

از مقاصد شان بوده است. لیکن اگر دقت کنند این لایحه مختلف الشکل کرده است مالیات را. مثلاً آقایان بهتر از بنده میدانند که مالیات را که در فرمان معین کرده است املاک معینی نداشته است. ای بسا املاک بوده است که عایدتیش زیاد بوده است لیکن مالیاتش بسیار بسیار کم بوده است و آن املاکی را که حقیقه برای آبادی دولت باشخاص انتقال داده است مالیاتش را زیاد مقرر داشته است. در این قانون هم تعقیب از همان نظریه دولت استبدادی کرده اند. بنده میدانم آخر چه نظری بوده است که این قانون اینطور تنظیم شده است؟ در صورتیکه شما مالیات را از خالص عایدی میگیرید چه فرق میکنند که عایدتیش کم باشد یا زیاد؟ یا در فرمان زیاد نوشته است یا کم؟ عایدات خالص صدی چهارم مقرر بدارید برای کلیه املاک خالصه، اینست معنی متحد الشکل شدن و بنده سوای این معنی دیگری برایش نمی فهمم. حالا اینجا بموجب این قانون بعضی املاک خالصه را بر میگردانند و اربابی میکنند بدون اینکه دیناری مالیات برایش قائل شوند. بعضی املاک را بر میگردانند صدی پنججاه. چرا؟ برای اینکه بکوقت مالیاتش زیاد بوده یا بکوقت مالیاتش کم بوده. صدی چهارم اگر قائل شدید مالیات متحد الشکل میشود. علاوه بر این در يك قسمت آن عایدات سه سال اخیر را املاک قرار میدهند که اگر چنانچه آفتی ملک وارد شده باشد بر طبق همان صورتیکه مثلاً مالک میدهد ماخذ مالیات را معین کنند. بنده عرض میکنم سه سال اخیر کافی نیست. بهتر این است که پنجمسال قرار دهند و يك خس از خالص عایدات مالکانه پنجمسال اخیر را مدرک برای مالیات قرار بدهند. اینست عقیده بنده. حالا دیگر خود دانید. هرطور صلاح است رای بدهید.

رئیس -- آقای عدل

بعضی از نمایندگان -- رای بگیرید

عدل -- رای بگیرید

رئیس -- نمیخواهید حرف بزنید؟

عدل -- خیر.

رئیس -- آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه می

دانند قیام فرمایند

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای مفتی

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم در صفحه ۲ سطر ۲ بجای عبارت (و اضافه مالیات خالصکی را) نوشته شود (اضافه مالیات خالصکی بر مالیات اربابی را که در فوق ذکر شد)

رئیس -- آقای مفتی

مفتی -- عرض کنم این يك اصلاح عبارتی است مقصود از اضافه مالیات خالصکی اضافه بر مالیات اربابی است بنا بر این اگر این جمله که ذکر شده است اینطور شود بهتر است (اضافه مالیات خالصکی بر مالیات اربابی را که فوقاً ذکر شده است) اگر آقای مخبر اینرا قبول بکنند بهتر است

مخبر -- گمان میکنم اگر دقت بفرمایند همین عبارت بهتر است زیرا در فوق اضافه مالیات خالصکی ذکر شده مالیات اربابی علیحده است مقصود از اضافه مالیات خالصکی که در فوق ذکر شده اضافه بر مالیات اربابی است

رئیس -- رای میگیریم پیشنهاد آقای مفتی آقایانیکه این

پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد پیشنهاد دیگر آقای مفتی

(باین ترتیب خوانده شد)

پیشنهاد میکنم بجای عبارت سه قسط متساوی سالیانه نوشته شود سه قسط متساوی در ظرف سه سال

رئیس -- آقای مفتی

مفتی -- اینجا هم يك اصلاح عبارتی است. مقصود

این است که در ظرف سه سال باید پرداخته شود. سالیانه در اینجا صحیح نیست

مخبر - این عبارت همینطور اصلاح شده است نوشته شده است در سه سال به سه قسط متساوی بپردازند و گمان میکنم مقصود آقا نامین شده است

رئیس - پیشنهاد آقای دشتی

(باین شکل خوانده شد)

اصلاح عبارتی ذیل را پیشنهاد میکنم بجای کلمه (بوده اند) در تبصره ۲ نوشته شود بوده است

مخبر - قبول کردم

رئیس - پیشنهاد آقای دادگر

(باین ترتیب خوانده شد)

پیشنهاد میکنم جمله اول ماده اینطور اصلاح شود حد اکثر مالیات خالصگی صدی پنجاه عایدات فرض میشود

رئیس - آقای دادگر

دادگر - منظور بنده ازین پیشنهاد این بوده است که يك تذکری داده شود. بعد اگر آقای وزیر مالیه با آقای مخبر توضیح بدهند دیگر تعقیب نمیشود. این جمله که برای اول ماده پیشنهاد شده است اگر تفسیرش کنیم مثل این است که حد اکثر مالیات خالصگی ممکن است صدی پنجاه باشد. یعنی این يك فرضی است که ممکن است در ذهن فرض کرد و از این به بالا و از این به پائین را میشود مقیاس معین کرد. برای اینکه در مالیه خودتان سابقه دارید که چطور قوانین را تعبیر میکنند و این عبارت چون يك عبارت مستقلى است ممکن است قطعی تصور کنند باین جهت بنده پیشنهاد کردم که حد اکثر مالیات صدی پنجاه فرض شود

وزیر مالیه - این عبارت بعد از جمله اول بعقیده بنده رفع این نقص را میکنند برای اینکه گفته شده است

لومانی پنج تومان قیمت کرده از مالکین سند ذمه بگیرند که در سه سال به سه قسط متساوی بپردازند و محصول ملک در هر سال وثیقه تأدیه قیمت خواهد بود و او اینکه نقل و انتقالی هم در ملک بشود

مخبر - محصول ملک سهمی مالک پیشنهاد شد

عدل - سهم اربابی محصول ملک پیشنهاد شد

مخبر - بلی صحیح است

(بقیه ماده بشرح ذیل خوانده شد)

و سهم اربابی محصول ملک در هر سال وثیقه تأدیه قیمت خواهد بود و او اینکه نقل و انتقالی هم در ملک بشود تبصره اول - مراد از عایدات متوسط ثلث عایدات سه ساله اخیر است

تبصره دوم - خالصجات انتقالی که در سه سال اخیر مسلوب المنفعه بوده است مشمول مقررات قانون مالیات املاک اربابی خواهند فرمود

تبصره سوم - در موقع تقدیم اضافه مالیات خالصگی قیمت جنس مالیاتی نرخ متوسط پنجسال اخیر حوزه بلوکی و در املاکی که مالیات معمولی و کنولی آن نقدی است ماخذ خربداری همان مالیات نقدی خواهد بود

رئیس - پیشنهاد جدیدی رسیده است

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای ضیاء

پیشنهاد میشود که آخر فراز دوم بترتیب ذیل اصلاح شود:

وزارت مالیه مکلف است آرا نا میزان صدی پنجاه نازل دهد

رئیس - آقای ضیاء

ضیاء - این فقط يك اصلاح عبارتی است و خواهش میکنم که آقای وزیر توجه بفرمایند اینجا ذکر شده است: هر گاه مالیات معمولی پرداختی فعلی املاک مزبور اضافه بر صدی پنجاه مذکور

باشد وزارت مالیه مکلف است نا میزان صدی پنجاه آرا نازل بدهد. در قسم این عبارت خوانده میشود صدی پنجاه آرا با صدی پنجاه از آرا. این است که بنده پیشنهاد کردم نوشته شود. وزارت مالیه مکلف است آرا نا میزان صدی پنجاه نازل دهد

مخبر - صحیح است. عبارت. همینطور نوشته میشود

رئیس - رای گرفته میشود به ماده سوم با این اصلاحی

که آقای ضیاء پیشنهاد کردند و قبول شد. آقابانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده چهارم

(بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده ۴ - خالصجات انتقالی که قبل از این تاریخ متصرفین برای مشاهد مشرفه و مساجد و دارالایتم و مریضخانه و مدرسه و یا سایر امور خیریه و عام المنفعه وقف کرده اند و یا عوائد آرا برای امور مذکور تخصیص داده اند از تاریخ تصویب این قانون مالیات اربابی اخذ میشود و اضافه عایدی که از کسر شدن مالیات خالصگی حاصل میگردد برای توسعه و تکمیل همان مصارفی که واقفین معین کرده اند تخصیص مییابد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در اینجا يك عرضی دارم که اگر آقای مخبر نامین بکنند راحت میشوم. ما در اینجا میخواهیم يك محلی را که سابقه پیدا شده است برای مساجد و مشاهد متبرکه تعیین کرده است و این جا مطابق این ماده در واقع میخواهیم يك حزمق باه-ور دینی با عام المنفعه بکنیم. ولی باید کاری کرد که دیگر دست مامور مالیه از آنجا کوتاه باشد. ولی مطابق این ماده کوتاه نیست و سه دست در آنجا هست مامور معارف میگوید اینجا وقف است و تعلق بدعا گو دارد، مامور فواید عامه میگوید اینجا امور عام المنفعه است و بمن

مربوط است، متولی هم میگوید که تولیت این ملک بامن است و يك دست رویش میگذارد. آنوقت يك چیزی که ما خواسته ایم برای يك امر خیري تخصیص بدهیم سه مأمور در آنجا دخالت میکنند. این خوب نیست و لا اقل دست يك مأمور را قطع بکنیم یعنی دست مأمور مالیه را قطع کنیم و دستی را که بعنوان مالیات خالصگی دخالت میکند آنرا کوتاه کنیم. محلی را که متصرفین برای مشاهد متبرکه و مساجد وقف کرده اند و باید بمصرف آنها برسد دیگر بعنوان اضافه مالیات خالصگی مأمور مالیه برود آنجا و ببیند رسیدگی کند که چقدر اضافه دارد بنده این را نمیدانم چه خواهد شد؟ و باید فقط همان دست اوقاف باشد حالا هرکاری میکنید طوری باشد که دیگر مأمور مالیه سر وقت آنها نرود

مدرس - ملک اربابی اصلاً شناخته میشود  
رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - منظور آقای آقا سید یعقوب کاملاً تأمین شده است مخصوصاً پیشنهادی شد و این ماده روی این منظور حضرت عالی اصلاح شده است که وزارت مالیه و اوقاف و صحیح هیچکدام از این ادارات دخالت در این کار نداشته باشند فقط اداره اوقاف يك نظارتی در این کار در حدود قانونی که برای او معین شده است دارد و منظور کمیسیون هم همین نظر حضرت عالی بوده است و ماده هم کاملاً روشن است و گمان می کنم خوب باشد

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است  
روحی - بنده مخالفم  
رئیس - بفرمائید

روحی - عرض کنم بگماده که مهمترین مواد است و بعقیده بنده اگر قانون خالصجات انتقالی حقیقه فایده داشته باشد بواسطه ابتداء چهارم است و فقط آقای آقا سید یعقوب يك مخالفت مختصری کردند خوب است اجازه بدهند يك نفر دیگر هم مذاکره کند آنوقت بگویند مذاکرات کافی است. شاید نظریات

کرده است برای يك امر خیري هیچ تفاوت ندارد با سایر املاک و این ماده مشمول دولت هم خواهد شد

دهستانی - منظور بنده تأمین شد پس میگیرم  
رئیس - پیشنهاد آقای بیات

(بشرح آن قرائت شد)

اصلاح ماده چهارم را بشرح ذیل پیشنهاد میکنم.  
در سطر چهارم بعد از تاریخ تصویب این قانون اضافه شود. آن املاک اربابی شناخته شده الی آخر  
رئیس آقای بیات

مرضی قلیخان بیات - اینجا يك اشکالی آقای آقا سید یعقوب فرمودند که بعقیده بنده تا اندازه وارد است بجهت اینکه ممکن است باز هم عنوان خالصگی در این املاک باقی بماند. ترتیبی که در این قانون نوشته فقط معین میکنند که مالیات اربابی گرفته شود. اما تکلیف اینکه این ملک اربابی است یا خالصه معلوم نیست و بنده پیشنهاد کردم که آن ملک جزء املاک اربابی شناخته شده مالیاتش هم مالیات اربابی اخذ شود. این عبارت خالصه و اربابی دو عبارت است در مقابل هم. ممکن است ملک خالصه مالیاتش اربابی باشد این از نقطه نظر عبارت است که آیا چنین ملکی ملک خالصه گفته میشود یا اربابی؟ مقصود بنده این است

مخبر - این جا يك اشکالی پیدا می کند با شرایطی که در ماده اول معین کردیم مطابق آن شرایط املاک کلیه ملک اشخاص شناخته میشود اگر اینجا ما يك قسمت بخصوص را اختصاص بدهیم مثل این است که مابقی دارای این شرط نیست. ما در ماده اول کلیه این املاک را ملک اربابی شناختیم و مالیات را هم مطابق موادی که پیش گذشت نباشد اربابی بگیرند و تفاوت را خریداری کنند و این قضیه گمان نمی کنم خوب باشد.

بیات - چون این قسمت را که اظهار کردند کافیست

مسترد میدارم.

رئیس - پیشنهاد آقای روحی

(بشرح ذیل قرائت شد)

تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم

اداره صحیح و اداره اوقاف هر يك بنوبه خود ناظر این مخارج هستند

رئیس - آقای روحی

روحی - اگر آقایان اجازه داده بودند که بنده يك قدری عرایض را کرده بودم دیگر این پیشنهاد را نکرده بودم. ما در اینجا داریم از متن عایدات دولت وقف می کنیم. این مسلم است که ما داریم عایدات دولت را وقف میکنیم برای امور خیریه...  
مدرس - مالیات است.

روحی - آقای مدرس اجازه بفرمائید. بنده هم ملا زاده ام. در تمام رقبات وقف نوشته است بعد از کسر دیون و مالیات دیوانی و غیره و ما الان داریم مالیات دیوانی را وقف میکنیم...

(همه نمایندگان)

روحی - اجازه بدهند عرض کنم. تمام متون وقف نامه ها قائل شده اند که پس از وضع مالیات و مخارج علی ما قرر الواقف عایدات را بمصارف مخصوص برسانند ما آمده ایم اینجا مالیات را که دولت بعنوان مالیات خالصه انتقالی میگرفته است داریم وقف میکنیم  
مدرس - خیر بخشیدیم

روحی - بسیار خوب. هر چه بفرمائید برای این باید ناظر معین کنیم اگر مرخصخانه است صحیح باید رسیدگی کند. اگر مشاهد متبرکه و سایر جاها است باید وزارت معارف نظارت کند مثل موقوفات مرحوم مشیر السلطنه... مرحوم مشیر السلطنه ملک وقف کرده و شاید هم يك مقدارش خالصه انتقالی باشد وقف کرده است که عایدات آنها را باعراپ شای بدهند دولت باید در این مسائل نظارت داشته باشد

بنده عقیده ام این است در این مورد آقای مخبر هم موافقت کنند اداره صجیه در مورد خودش اداره اوقاف هم در مورد خودش نسبت به وجهی که ما از متین مالیات دولت اختصاص بان محل می دهیم نظارت داشته باشند و نگذارند که متولی ها و دبکران بخورند یا اینکه بعنوان صرفه جوئی جزء وزارت مالیه بشود بعضی از نمایندگان - رای بگیریید

رئیس - این پیشنهاد جدید نیست باید رای قطعی گرفته شود . پیشنهاد آقای مفتی ( بان ترتیب خوانده شد )

پیشنهاد میکنم در سطر اول قبل از این تاریخ حذف شود رئیس - آقای مفتی

مفتی - بعقیده بنده هر قدر ما از امور خیریه تشویق و تقویت بکنیم بجا و بموقع است . اینجا نوشته است (خالصجات انتقالی که قبل از این تاریخ وقف شده اند برای امور عام المنفعه ) بعقیده بنده خالصجاتی که در این تاریخ هم وقف شوند اگر مالیات اضافه گرفته میشود آن اضافه مالیات هم بمصرف امور خیریه برسد بهتر است ضرری هم بعایدات دولت نمیرسد و يك تشویقی هم از امور خیریه شده است .

مخبر - بنده آقای مفتی را مطمئن میکنم که تمام مالکین خالصجات انتقالی تمام حواسشان پیش این ماده است که این قانون بگذرد و این تفاوت مالیات را ندهند مطمئن باشید که بعد ها هیچکدام وقف نخواهند کرد و اینکه ما اینجا نوشته ایم برای اینست که مبادا دبه در بیاورند

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

( عده قلیلی برخاستند )

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد دیگر

( بان ترتیب خوانده شد )

امضا کنندگان اصلاح ذیل را به سطر چهارم در ماده چهارم قانون خالصه جات انتقالی پیشنهاد می نمایم . . . . .

رئیس - اشتباه شده است . پیشنهادی بود از آقای دکتر مصدق فراموش شده قرائت شود چون ماده چهار مطرح است ماده چهار سابق در راپورت جدید ماده سه شده است

دکتر مصدق - آن یکی دیگر را بخوانند

رئیس - دیگر ایست پیشنهاد آقای بروجردی

( بشرح آتی قرائت شد )

این بنده پیشنهاد میکنم بعد از لفظ وقف حبس و وصیت اضافه شود

طباطبائی دبیا - تخصیص معنایش همین است

بروجردی - بنده خواستم عرض کنم حالا که دولت موافقت کرده در مورد وقف این کار را بکنند مساعدت بکنند که حبس و وصیت هم ضمیمه بشود آنرا هم که آقای مخبر قبول نفرمودند این هم راجع بگذشته است اگر در گذشته يك املاکی حبس شده باشد یا وصیت شده باشد آنهم باملاك وقف ضمیمه شود در واقع املاکی که جهات خیریه داشته باشد این يك منافعی است برای این مملکت و از این مملکت هم خارج نمیشود

رئیس رای میکنیم به پیشنهاد آقای بروجردی آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند ( دو سه نفر قیام نمودند )

رئیس قابل توجه نشد . رای میکنیم ماده چهارم بضمیمه پیشنهاد آقای روحی . . . . .

مرتضی قلی خان بیات - بنده اخطار دارم

رئیس - بفرمائید

بیات - پیشنهاد آقای روحی گویا در جلسه قبل رد شد و مقام ریاست اینطور تصور فرمودند که قابل توجه شده و حالا باید رای قطعی گرفته شود . در صورتیکه

این اصلاح جدید است .

رئیس - مخبر . . . . .

رفیع - بقابل توجه بودنش رای گرفته نشده است اول باید بقابل توجه بودن رای گرفته شود

رئیس - اگر رای بقابل توجه بودن بگیریم باید مراجعه شود بکمسیون ولی رای قطعی که بگیریم تکلیفش معلوم می شود

رفیع - پس بنده تجزیه میکنم

رئیس - بسیار خوب اول رای میکنیم ماده بدون پیشنهاد آقای روحی آقایانیکه موافقت قیام فرمایند ( اغلب قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد . حالا رای میکنیم به پیشنهاد ایشان آقایان که موافقت قیام فرمایند ( دو سه نفر قیام نمودند )

رئیس - تصویب نشد . ماده هشتم .

مخبر - هشتم دیگر مورد ندارد . چون آن ماده برای موقعی بود که فروش آن مازاد اختیاری باشد و يك قسمت منال خالصکی باقی میماند و يك قسمت خریده میشد ولی حالا که کلیه بصورت اربابی در آمد دیگر آن ماده مورد ندارد و باید حذف شود

رئیس - مواد الحاقیه قرائت میشود

( ماده الحاقیه پیشنهاد عدل این قسم قرائت شد ) ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم : ماده الحاقیه - نسبت باملاکی که بموجب ماده اول ملك متصرفین فعلی شناخته میشود هیچگونه دعوائی راجع بزمان تصرف دولت و قبل از آن در محاکم قضائی پذیرفته نخواهد شد ( همهء بین نمایندگان - چرا . . . )

عدل - اجازه بفرمائید این املاک خالصه خیلی کم از آنها هست که دولت و سلاطین قدیم پول داده اند و خریده اند غالباً این املاک یا در مقابل بدهی و بقایای حکام از آنها ضبط شده است یا اینکه مال متمردین و

اشرار و این قبیل اشخاص بوده است که دولتهای قدیم پنجاه سال صد سال قبل اینها را ضبط کرده اند حالا که دولت ضبط کرده و سهم خودش را میفروشد دیگر نباید کسی از آن تاریخ ادعائی از آن غاصبین قبول کند و نباید دولت قبول کند . علاوه بر مرور زمان بنده پیشنهاد کردم که در اینجا نوشته شود که محاکم دعاوی آنها را نسبت بدولت نباید قبول کنند ولی اگر شخصی بیاید و نسبت بمالك بعد از خریداری ادعائی بکند قبول کند ولی نسبت بدولت نباید قبول شود

بعضی از نمایندگان ( باهمهمه ) این بی ربط است قانون را خراب میکنند

[ صدای زنك رئیس - امر بسکوت ]

عدل - اگر چه تا يك حدی در قانون مرور زمان معین شده ولی برای اینکه کاملاً نامین شود این پیشنهاد را کردم که نسبت بدولت دیگر نپذیرند

مخبر - اگر چه تا يك حدی نظر آقا در قانون مرور زمان نامین شده است ولی برای اینکه تکمیل شود بنده از طرف کمیسیون قبول میکنم

شیروانی - بنده مخالفم

کازرونی - قانون خراب شد . يك مرتبه مردم را بکشید آقا

عدل - بروند ادعا کنند و ببرند!

کازرونی - مردم حق حیات دارند آقا این پیشنهادات یعنی چه ؟

[ همهء نمایندگان - صدای زنك رئیس ]

دشتی - دومرتبه قرائت شود

[ بشرح سابق قرائت شد ]

وزیر مالیه - اجازه میفرمائید؟ این ماده الحاقیه که آقای عدل پیشنهاد کردند اگر آقای مخبر باموافقت کمیسیون قوانین مالیه روی خوشی نسبت بانجامه نشان داد برای این بوده است که دولت آن را تعقیب نکنند برای اینکه این گونه دعاوی گذشته از این که برای مردم تولید زحمت میکند يك قدری هم برای دولت تولید اشکالات و مسؤولیت هائی

می کند ولی از برای اینکه برای دولت که انتقال دهند  
 با شخص باشد و همینطور اشخاصی که ممکن است مورد  
 دعوی واقع شوند تکلیفی معین شود. بنده گمان می کنم  
 با پیشنهادی که آقای وزیر عدلیه الان تقدیم خواهد  
 خوانند کرد مجلس شورای ملی که ترتیب دعاوی دولت را با مردم  
 و مردم را با دولت تعیین خواهد کرد دیگر این مطلب نگران ندارد  
 و بنده معتقدم که آقای عدل هم خوبست از این پیشنهاد صرف  
 نظر نفرمایند بآنکه همین اطلاعاتی که ایشان نداشته و  
 بنده خدمتشان عرض کردم. آقای مخبر هم خوبست  
 از قبول این پیشنهاد صرف نظر نفرمایند و با این پیشنهادی  
 که حالا تقدیم میشود اساس مطلب نامین میشود و اختلاف  
 نظری بی جهت بین آقایان تولید نمیشود.  
 دادگر - بنده اخطار قانونی دارم  
 رئیس - به بنده نباید اخطار قانونی نفرمائید.  
 دادگر - تذکر قانونی دارم.  
 رئیس - حالا که رای نمیگیریم میرود به کمیسیون.  
 عدل - اجازه می فرمائید؟  
 رئیس - می خواهید پس بگیری؟  
 عدل - بله با آن ترتیبی که فرمودند نظر بنده نامین شد  
 دادگر - پیشنهاد آقای مدرس منظور ایشان را  
 تامین کرده بود و این پیشنهاد بی مورد بود  
 وزیر مالیه - صحیح است  
 رئیس - پیشنهاد آقای احتشام زاده  
 (این قسم قرائت شد)  
 ماده الحاقیه - وجوه حاصله ...  
 نابت - تکلیف آن ماده الحاقیه چه شد؟  
 (صدای زنگ رئیس)  
 نابت - آخر اینکه پس نکرقت ...  
 (صدای زنگ رئیس)  
 کازرونی - معلوم نشد  
 رئیس - (خطاب به آقای نابت) چه می  
 فرمائید آقای؟

انتقالی هم شبیه سایر املاک باشد و مالیاتهم متحدالشکل  
 باشد و املاک اشخاص اعتبار پیدا کنند عرض کنم که يك  
 مطلب دیگر است که محل ابتلاء است و درغالب شهرها است  
 و آقایان شاید هر کدام در حدود خودشان مسبوق باشند بعضی  
 از اراضی دولتی است که دولت ناچار بوده است بمردم  
 اجاره بدهد مقصود هم اجاره يك سال دو سال نیست  
 بلکه قید شده است که از پنج سال بیلا بیست سال و  
 سی سال اجاره داده اند املاک را و روی آن اراضی دکان  
 و کاروانسرا ساخته اند یا بیک ترتیبی يك آبادی هائی  
 راه انداخته اند یا بعنوان حق الارض دائمی سالی ده  
 تومان بیست تومان میگیرند و ممکن است اینها را هم از  
 این برد که مردم راحت باشند دولت هم آسوده شود و  
 حالا خوبست در ضمن این قانون این اجاره را بدولت  
 داد که آنها را مثل سایر خالصجات رفتار کنند همانطور  
 که اینجا مالیات خالصه را اگر بیشتر از صدی ۵۰ هم  
 بود بر میگرددانند صدی ۵۰ و به پنج برابر قیمت اضافه  
 مالیات اربابی را بفروشد بنده این جا هم این پیشنهاد  
 را کرده ام که هر چه حق الارض و هر چه اجاره اش  
 است متصرفین آن را به ۵۰ برابر بتوانند بخرند یعنی مردم  
 ملکشان اربابی باشد و در زحمت نباشند دولت هم از این  
 حیث راحت شود و این اراضی را مثل خالصجات انتقالی  
 بفروشد بمردم. این پیشنهاد بنده بود  
 وزیر مالیه - این پیشنهاد نماینده محترم قطعاً خودشان  
 هم باید تصدیق فرمایند که موردش در مورد لایحه  
 خالصجات انتقالی نیست ولیکن مواد دیگری پیدا خواهد  
 شد. بنده قبلاً خدمتشان عرض کردم که در این خصوص  
 يك لایحه تقدیم خواهد شد راجع بشرايط وا کذارى  
 اراضی خالصه آن جا اگر این پیشنهاد را فرمایند  
 موافقت خواهد شد ولی در اینجا بنظر بنده موردی ندارد  
 و نمی میکنم که خود نماینده محترم موافقت فرمایند و  
 این پیشنهادشان را مسترد فرمایند.  
 افسر - حالا که نظر موافقت ندارند عجلتاً مسترد  
 می کنم تا آن لایحه که میفرمایند بیاید  
 ضیاء - در قانون بلدی پیشنهاد فرمائید  
 رئیس - پیشنهاد آقایان. آقا سید یعقوب - ملک مدنی  
 خطیبی -  
 (بشرح ذیل قرائت شد)  
 ماده الحاقیه - خالصجات انتقالی که فعلاً در تصرف  
 خورده مالکین است در صورتیکه مقدار متصرفی خورده  
 مالکین قبل از تصویب این قانون بیش از نیمدانگ  
 بوده است مالیات آن مقدار تا نیمدانگ تابع مالیات  
 املاک اربابی خواهد بود و اضافه مالیات خالصگی مطالبه  
 نخواهد شد  
 روحی - نیمدانگ نیمدانگ بالاخره همه اش از بین  
 خواهد رفت  
 آقا سید یعقوب - اولاً بنده استدعا میکنم اجازه  
 فرمائید توضیح عرض کنم چون آخر مجلس است توجه  
 نمی فرمایند عرض کنم که بنده با يك عقیده ثابتی این  
 پیشنهاد را کردم و مجلس مخبر و وزیر مالیه هم عرض  
 کردم يك چیز غلطی هم نیست که بعضی از آقایان ایراد  
 می فرمایند. شما میدانید در این املاک خالصه انتقالی  
 بقدری خورده مالکین در تمام ولایات گرفتارند که چه  
 عرض کنم و لابد خود آقایان هم مسبوق هستند این  
 است که بنده پیشنهاد کردم این خورده مالکین که کمتر از نیمدانگ  
 دارند این ملاحظه را نسبت بانها بکنند و از آنها  
 مالیات املاک اربابی بگیرند و اضافه منال خالصگی دیگر  
 ازشان مطالبه نکنند خیلی هم ملاحظه فرمائید این  
 رعایت بیش از ۵۰ هزار تومان نخواهد بود و امشب  
 يك مرحمتی نسبت بیک مشت رعیت بد بخت و فقیری  
 که در سال جان می کنند و زحمت می کشند و بیش از  
 ۶۰ من گندم گیرش نمی آید کرده اید و رعایت آنها  
 خیلی لازم است و خیلی بموقع و مناسب است که این  
 پیشنهاد را تصویب فرمائید که يك کمکی بانها بشود  
 حالا خودتان میدانید

رئیس -- آقای روحی

آقا سید یعقوب - عضو کمیسیون که هستند

روحی - ماده الحاقیه است. خیلی متأسف هستم که دوره است و کیل هستی و هنوز نظامنامه را نمیدانای (خنده نمایندگان) بنده یا عقیده نماینده محترم کابلا موافقم ولی ناسف میخورم از اینکه مردم املاکشان را از فردا دوازده نیمیذانک می کنند یکی به همشیره اش میدهد یکی به برادر زاده اش میدهد و تمام این قانون بالاخره از بین خواهد رفت پس خواست بکمرتبه یک قانونی بنویسند که خالصجات انتقالی ملک اربابی شناخته میشود و هیچ اضافه منال خالصگی اش را هم ندهد اگر نظریه نان راجع بخورده مالک است بنده هیچ مخالفتی ندارم ولی در عمل کنترل آن مشکل است نمیشود بهیچ وجه تشخیص داد که قبل بوده یا بعد بوده بناء علیه بنده عقیده ام این است که خواست نماینده محترم پیشنهادشان را مسترد فرمایند

آقا سید یعقوب - مخبر قبول میزند

رئیس -- رأی میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

[عده قلابی برخاستند]

رئیس - قابل توجه نشد آقای زوار پیشنهاد ختم جلسه کرده اند

زوار - عرض کنم که بنده پس میگیرم

[خنده نمایندگان]

رئیس - پیشنهاد آقای حاج شیخ بیان

[این قسم قرائت شد]

ماده الحاقیه - تمام عوائد حاصله از فروش خالصه انتقالی تخصیص داده میشود ب سرمایه بانك ملی حاج شیخ بیان - يك قانونی از مجلس گذشت راجع ببانك ملی و يك قسمت مهمش راجع ب سرمایه آن بود

که چرا ما مدرسه نداریم در تمام املاک خالصه خوار يك مدرسه ابتدائی وجود ندارد برای اینکه خالصه اش زیاد است. خوب هر جایی که يك مقدار اراضی و املاک خالصه اش زیاد شد باید مدرسه نداشته باشد ۱۲ اینکه صحیح نیست این که خوب نیست. بنا بر این خوب است دولت موافقت کند. تا این دو سالی که قرار شده خالصه انتقالی بفروش برسد اگر در این دو سال بفروش نرسد يك نیم عשרی از آن را تخصیص بدهند برای مکاتب محلی وزیر مالیه - ممکن است اجازه بفرمائید بکمرتبه دیگر قرائت شود؟

(مجدداً بشرح سابق خوانده شد)

وزیر مالیه - اگر چه همالطوری که از طرف مقام ریاست تذکر داده شد پیشنهاد خرج است ولی برای این که آقایان متذکر باشند که اگر در يك موقعی دولت این پیشنهاد را که خودش در این موقع تذکر داده است قبول نمی کند و پیشنهاد نمی کند برای چیست؟ این قانون با این اصلاحاتی که درش شده است دیگر تفاوت مالیات خالصه انتقالی برای فروش باقی نمی ماند چون از اول سنه ۱۳۰۷ شما گفته اید از این املاک مالیات املاک اربابی گرفته شود بان لحاظ بنده تصور میکنم نظر نماینده محترم در این فکر قبل از این قانون بوده است اما نسبت باصل مطلب که فرمودند در خالصجات دولتی مدرسه تأسیس نشده است برای اینکه مالیات ندارد این هم سابقاً گفته شده است که يك محلی تخصیص داده شود برای اینکه از آن محل بتوانند يك مدرسه در خالصجات ایجاد کنند این قضیه تحت مطالعه است و این را ما از راههای دیگری تأمین خواهیم کرد و این پیشنهاد فعلاً نه از نقطه نظر ظاهر پیشنهاد خرج است بلکه اصلاً مورد هم ندارد

باسائی - استرداد میکنم

رئیس - پیشنهاد دیگری هست؟

(گفتند خیر)

رئیس -- (خطاب به مخبر) ماده پنجم چه میشود؟

ماده دیگری ندارید؟

مخبر - خیر

رئیس - هفت ماده میشود؟

مخبر - بلی

رئیس -- ماده هفتم

(این قسم قرائت شد)

این قانون پس از تصویب بموقع اجرا گذاشته و وزیر مالیه مأمور اجرای آن است

عدل - گذاشته شده باید باشد

رفیع - بی ربط میگوید آقا رأی بگیری

رئیس -- آقایانی که ابتاده را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. در کلیات مخالفتی هست؟

آقا سید یعقوب - بلی بلی بنده مخالفم.

رئیس -- بفرمائید.

آقا سید یعقوب - مخالفت بنده در اینجا از این است که چند ماده اینجا بنده پیشنهاد کردم و بمقیده خودم هم نافع برای ملک و هم برای دولت بود ولی خدا عمر بدهد بمخبر کمیسیون که قسم بحضرت عباس خورده بود که يك چیز را که محل توجه مجلس هم می شود قبول نکند.

اما مخالفت بنده در اینجا چند چیز است. تمام نظریات بنده و رفقای بنده این است که خالصجات انتقالی که از ۱۳۰۰ تا حالا آمدیم قانون برایش گذاشتیم نظر این بود که نسبت برعابائی که دارای نیم دانگ. نیم عشر - يك فرد و نیم فرد هستند لااقل دومرتبه مأمور دولت سر وقت آنها زود و آنها از این حیث راحت باشند ما پیشنهاد کردیم که آنها از اضافه مالیات خالصگی معاف باشند عده هم با ما هم عقیده بودند. با مخبر هم صحبت کردیم مخبر هم قبول کرد ولی اینجا آمد و مخالفت کرد و

اسباب زحمت آنها هم فراهم شد. چیزی که هست ما در واقع امشب وکیل الدوله واقع شدیم و بک خورده ما ملاحظه رعایا و بیچارگان را که پس فردا این قانون زنجیر کردن آنها میشود نکرده‌یم و این قانون اساساً رای آنها فایده ندارد جز اینکه ما آمدیم و یک پولی برای دولت فراهم کنیم این است که بنده از این جهت با این قانون مخالفم.

وزیر مالیه -- بنده نمی خواهم زیاد مزاحم آقایان بشوم ولی چون آقای آقا سید یعقوب فرمودند که ما این چا وکیل الدوله واقع شدیم خواستیم عرض کنم که دولت در این قانون استفاده زیاد نمی کند استفاده دولت دارد فقط این است که موافقت کند اولاً مالیات این مملکت متحد الشكل بشود ثانیاً برای اینکه مردم از یک تبعیضی که اسباب زحمت شده بود فارغ شود بنده در ضمن این تذکره خدمت آقای آقا سید یعقوب عرض میکنم که بعضی اصلاحات در قانون با بعضی موافقت ها هست که ممکن است اساس را کاملاً بر خلاف آنچه که آدم مقصودش است جلوه بدهد ملاحظه فرمائید بنده قانون را دوباره که دقت میکردم می خواندم چون غالباً پیشنهادهائی که در جلسه میشود و قبول میشود کاملاً ممکن نیست مورد مطالعه واقع شود بنده حالا این قانون را مطالعه میکردم آقای مدرس بک اصلاحی پیشنهاد کرده اند که قبول شده و کاملاً آن نظر آقای عدل را که ماده الحاقیه پیشنهاد کرده بودند نامین میکرد:

دادگر - صحیح است

وزیر مالیه - در این صورت اساساً آن عنوان و آن مذاکره هیچ موردی نداشت. اگر این اصلاحاتی که مرور میشود در آنها بک قدری دقت شود ممکن است بعضی هایش موجب حسن قانون و بعضی دیگرش موجب خراب شدن قانون بشود و اسباب اشکال و زحمت بشود چون نمیشود قبلاً مطالعه و تحقیق کرد. عجله خواستیم این را عرض کنم که دولت از نقطه نظر موافقت

با بک افکاری که سالیان دراز در این مملکت تولید شده بود. این موافقت ها را کرده است و الا استفاده در این کار ندارد.

خبر - بنده هم بک جمله را عرض میکنم آقای آقا سید یعقوب فرمودند با بنده در خارج راجع به پیشنهاد خودشان صحبت کردند بنده موافقت کردم. فقط علتش این است که گاهی بعضی پیشنهاد آقایان میدهند و بنده هم در خارج موافقت میکنم یعنی آدم مأخوذ بحیا میشود و وعده مساعدت میدهد ولی در اینجا بک نظر دیگری است با اینحال بنده مخالفی نکردم با فرمایشانشان. فقط قبول نکردم (خنده نمایندگان)

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافیست

رئیس -- رای میکنیم باین قانون که مشتمل بر ۷ ماده است آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب برخاستند)

رئیس -- تصویب شد

کازرونی - ختم جلسه

یاسائی - بموجب ماده ۸۵ نظام نامه باید با ورقه رای گرفته شود

رئیس - رای با ورقه گرفته شود؟

جمعی از نمایندگان - بلی.

رئیس -- مخالفی ندارد؟

(گفتند خبر)

رئیس -- رای میکنیم با اوراق آقایانی که تصویب می کنند ورقه سفید خواهند داد ( اخذ و استخراج آراء بعمل آمده ۷۲ ورقه سفید و ۳ ورقه کپور رد شد)

رئیس -- عده حاضر ۹۳ با ۷۲ رای تصویب شد

اسامی موافقین - آقایان: دکتر طاهری - آقا سید کاظم محمد ولی میرزا - اسکندری - معتمد التوله - از باب

کیخسرو - ابراهیمی - میرزا محمد تقی بهار - مسعود بروجرودی - خواجوی - محقق - امام جمعه شیراز - امیر حسینخان - دیوان بیگی - میر ممتاز - فرشی - مفتی - عدل - پالیزی - زارع - حیدری - دشتی - دادگر - انبخت - کللی - فرمند - موقر - عمادی - ملک مدنی - خطابی - مولوی - اهری - ثقة الاسلامی طباطبائی دیبا - عباس میرزا - وزیر - جهانشاهی - شیروانی - زوار - فومنی - میرزا عبدالحسین - مرتضی قلبخان بیات - احتشام زاده - ذوالقدر - طباطبائی وکیل - افسر - جلالی - افخمی - حشمتی - دکتر لقمان - میرزا عبدالله خان وثوق - فهیمی - حاج میرزا حبیب الله امین دولتشاهی - فرمند - ابنی سلیمان - نگهبان - امامی - مقدم - آقایان - دکتر سنگ یاسابی - چشمیدی مازندرانی - اعتبار - حاج میرزا علی اکبر امین - پورنیمور دهستانی - محمد آخوند صالحی لرستان - آقازاده - جزواری - بهمنی

اسامی مخالفین

آقایان: نابت - کازرونی - آقا سید یعقوب

رئیس -- آقای عمادی پیشنهاد ختم جلسه کرده اند

حاج آقا رضا رفیع - اجازه میفرمائید

وزیر عدلیه - البته آقایان در خاطر دارند که بک لایحه راجع به ادعای دولت بر مردم و مردم بر دولت بمجلس تقدیم شد ولی چون مواد خیلی زیادی داشت سه ماده پیشنهاد شده است که بطریق حکمیت این دعوی هم حل شود منتهی موارد دعوی را برداشته است و بک قدری محدود کرده است در حال تقاضا میکنم که مراجعه شود به کمیسیون عدلیه

وزیر معارف - لایحه استخدام بکنفر فرانسوی برای اداره کردن عتیقات و موزه و کتابخانه تقدیم میشود (تقدیم مقام ریاست نمودند)

وزیر مالیه - بنده راجع بدستور عرضی دارم هر وقت اجازه میفرمائید عرض کنم

رئیس -- بفرمائید

وزیر مالیه - اولاً مسئله تعیین جلسات است که البته آن را آقایان هر طور صلاح می دانند تصویب می فرمایند. بنده همین قدر تذکره عرض می کنم که لایحه خیلی مهمی است که اگر ما بتوانیم قبل از سال جدید بگذرانیم خیلی کارها تسهیل میشود یکی قانون سچل احوال است که اهمیت آن را لازم نیست عرض کنم قانون سچل احوال یکی از قوانینی است که خیلی مهم است و خوب است جزو دستور گذاشته شود اگر نمایندگان محترم نظری دارند پیشنهاد میفرمایند و نظریه اکثریت آقایان که معلوم شد مراجعه میشود به کمیسیون و اصلاح میشود و بهتر این است آقایان موافقت فرمایند جزو دستور شود بک مسئله دیگری که تقاضا میکنم در جلسه آتی در جداول جزو دستور گذارده شود خبر کمیسیون بودجه است راجع به صدی سه انحصار و گمرک که خیلی مطلب مختصری است و در واقع طرز تصفیه حساب است و موضوع خرج نیست و طرز روشن کردن حساب است و چون آخر سال است اگر بگذرد خیلی کارها تسهیل میشود بعد در درجه دوم قانون سچل احوال را آقایان مطرح کنند

شیروانی - بنده راجع به لایحه آقای وزیر عدلیه عرض دارم رئیس -- بفرمائید

شیروانی - چون اختیاری که به کمیسیون عدلیه داده شد بدون لایحه حکمیت بود و راجع باین لایحه که امشب تقدیم نمودند فرمودند برود به کمیسیون عدلیه و چون بنده عقیده ام این است که این لایحه باید بیاید بمجلس شورای ملی این است که باید ایشان اینجا تذکر بدهند که این بر طبق اختیار کمیسیون تصویب میشود یا میآید بمجلس؟

وزیر عدلیه - عرض میکنم این مسئله البته تکلیفش روشن میشود مطابق ترتیب اگر باشد البته باید برود بکمیسیون عدلیه چون فقط آن لایحه حکمیت که قبلاً تقدیم شد قرار شد در مجلس بیاید از طرف دیگر چون



# قانون

## مالیات خالصجات انتقالی

مصوب لبه بیستم اسفند ماه یکهزار و سیصد و شش شمسی

ماده اول - خالصه انتقالی املاک است که از ۱۳۰۰ فمری باین طرف در تصرف دولت بوده و بعد بتصرف اشخاص درآمده است - املاک مزبور در صورت داشتن یکی از شرایط ذیل مالکین خصوصی که فعلاً متصرف میباشند شناخته شده و از حیث مالیات تابع مقررات اینقانون خواهد بود

۱ - خالصجاتیکه متصرفین آن اسناد رسمی دفتری شده داشته باشند

ب - خالصجاتیکه تا تاریخ اول بهمن ۱۳۰۶ شمسی انتقالی بودن آن مورد تصدیق دولت و متصرف واقع شده باشد .

ج - خالصجاتیکه تا این تاریخ سی سال در تصرف اشخاص بوده است اعم از اینکه از طرف دولت مورد تعرض و مداخله واقع شده یا نشده باشد

د - خالصه جانی که بیست سال بدولت تعرض و مداخله از طرف دولت در تصرف اشخاص بوده است .

تبصره ۱ - مقصود از تصرف اشخاص دستهای مختلفه متصرفین غیر دولت است

تبصره ۲ - خالصجاتی که قبل از ۱۳۰۰ فمری بتصرف اشخاص درآمده است در صورتی که مشمول قسمت (ب) نشود ملک اربابی شناخته شده و از حیث مالیات تابع مقررات قانونی املاک اربابی خواهد بود

ماده دوم - در مورد اختلافات حاصله بین دولت و متصرفین در حدود ماده اولی رفع اختلاف بطریق حکمیت خواهد شد - باین ترتیب که بکفتر حکم از طرف وزارت مالیه و بکفتر حکم از طرف متصرف و بک حکم مشترک بتراضی طرفین معین میشود - در صورت عدم رضی نسبت بحکم ناک حکمین چهار نفر را معین نمود و یکی از آن چهار نفر بحکم قرعه حکم ناک معین میشود

تصمیم هیئت حکمیت با اکثریت برای طرفین قاطع و غیر قابل اعتراض خواهد بود

وزارت مالیه مکلف است در ظرف دو سال از تاریخ تصویب این قانون موارد اختلاف را کتباً بمتصرفین اخطار نموده رسید دریافت نماید هرگاه متصرفین در ایران باشند از روز اخطار در ظرف شش ماه و اگر در خارج ایران باشند در ظرف یکسال باید خود یا وکیلشان در وزارت مالیه یا در مرکز حوزه ابالتی یا ولایتی که ملک در آنجا واقع است یا مالک در آنجا اقامت دارد حاضر شده و قرار حکمیت را بدهند - هرگاه متصرفین در مدت مزبوره بدون عذر موجه حکم خود را معین نکردند حق اعتراضشان ساقط خواهد بود و همچنین اگر وزارت مالیه در ظرف مدت مذکوره فوق اعتراض خود را بطرف اخطار نکرد و یا در مدت مقرر حکم خود را تعیین نکرد اعتراض ساقط است و اگر در ضمن جریان حکمیت حکم دولت عمداً در ظرف ده روز از حضور امتناع ورزید حکم و تشخیص سایر اعضاء حکمیت قطعی خواهد بود

تبصره ۱ - مادام که رأی هیئت حکمیت صادر نشده است ملک نباید از تصرف متصرفین خارج شود

تبصره ۲ - نسبت بخالصجاتیکه بموجب فرمان دفتری شده در تصرف اشخاص بوده و فعلاً مورد تعرض

دادگر - عرض کنم که ایام احیا است بعد از آن ایام عید است و بالاخره يك فاصله طولانی خواهد شد و البته در مسائل مذهبی آنچه که عرف گفته است که ماعطیل کنیم تعطیل می کنیم شب های احیا را ما معمولاً تعطیل میکنیم و احیا نگاه میداریم. این شب ها برای طاعت و عبادت در نزد ما مهیود است ولی فوائدی را چه عیب دارد که ما در شب های دیگر بیائیم و بگذرانیم؟ عیبی ندارد که ما بگذردی هم اوقات مان را صرف کارهای اجتماعی بکنیم. مگر تصور میفرمائید که این کار هائیکه در مجلس ما میکنیم اینها بر منفعت طبقه مسلمین نیست؟ البته هست ما باید اینجا برای آنها کار کنیم. بالاخره دولت بما تذکر داده است که يك کار های معجزی که بکنیم مؤسسات ملی است در پیش است و باید زود تر آنها را رأی داد و البته در شب های غیر از احیاء حاضر میشوم و باینها رأی میدهم و زود تر کارمان را تمام میکنیم و در ایام عید يك مسافرتها می بقم و مشهد میکنیم. در هر حال بنده عقیده ام این است که این دو شب مجلس باشد و بعد تعطیل کنیم يك دفعه چند روز تعطیل کنیم خوبست ایشان هم موافقت فرمایند

رئیس - آقایانی که با این پیشنهاد موافقتند قیام فرمایند .

( دو سه نفر قیام نمودند )

رئیس - تصویب نشد . آقایانی که موافقتند جلسه ختم شود؟

( گفتند بلی )

حاج میرزا مرتضی - جلسه آتیه کی است؟

رئیس - شب سه شنبه است

( مجلس شش ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد )

اظهار میشود که این هم مثل لایحه حکمیت است این است که این موضوع را بنده بنظر خود مجلس واگذار میکنم و هر طوری که مجلس رأی دادند همانطور بشود برای بنده تفاوتی نخواهد کرد

رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی

شیرازی - تکلیف این لایحه بالاخره معلوم نشد

رئیس - خبر کمیسیون عریاض و مرخصی

( این قسم قرائت شد )

نماینده محترم آقای ابراهیمی از روز ۱۵ فروردین

برای سرکشی امورات شخصی سه ماه تقاضای مرخصی

نموده کمیسیون پس از مطالعه با دو ماه مرخصی ایشان

موافق و خبر آن را تقدیم مجلس شورای ملی مینماید

رئیس - رأی میگیریم باین خبر آقایان موافقتین قیام

فرمایند .

( اکثر قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد . پیشنهاد آقای فیروز آبادی راجع

بجلسات .

شیرازی - تکلیف لایحه آقای وزیر عدلیه معلوم نشد

رئیس - می خواهید در جلسه آتیه معلوم شود

( پیشنهاد آقای فیروز آبادی این قسم قرائت شد )

بنده پیشنهاد میکنم که شب سه شنبه و پنجشنبه تعطیل

شود مجلس .

فیروز آبادی - عرض میشود ایام قتل و عزاداری

و شهادت حضرت امیر است و آنقدرها ما باید احترام

بگذاریم باین ملاحظه بنده پیشنهاد کردم شب سه شنبه

و پنجشنبه جلسات تعطیل شود

رئیس - آقای دادگر

و تصرف دولت است رفع اختلاف بطریق مذکور فوق بعمل میآید

تبصره ۳ - حکمیت باید در حوزه مالیه که ملک متنازع فیه در آنجا واقع است بعمل آید  
ماده سوم - در املاک خالصه انتقالی حداکثر مالیات خالصکی صدی پنجاه عایدات متوسط خالص مالکانه است  
و هرگاه مالیات معمولی فعلی پرداختی املاک مزبور اضافه بر صدی پنجاه مذکور باشد وزارت مالیه مکلف است  
آن را تا میزان صدی پنجاه تنزل دهد ، اگر کمتر است همان مالیات فعلی مالیات خالصکی خواهد بود مگر اینکه  
مالیات فعلی کمتر از مالیات املاک اربانی باشد در این صورت وزارت مالیه آن را تا حد میزان مالیات املاک  
اربانی ترقی خواهد داد

از تاریخ تصویب این قانون منتهی در ظرف دو سال وزارت مالیه باید مالیات املاک خالصه انتقالی را  
مطابق مقررات قانون املاک اربانی معین کند که از ۱۳۰۷ همه ساله مطالبه و وصول نماید و اضافه مالیات خالصکی را  
که فوقاً ذکر شد بر مالیات اربانی تومانی پنج تومان قیمت کرده از مالکین سند ذمه بگیرند که در سه سال سه قسط  
متساوی بپردازند و سهم اربابی محصول ملک در هر سال وثیقه نادیده قیمت خواهد بود ولو اینکه نقل و انتقالی هم  
در ملک بشود .

تبصره ۱ - مراد از عایدات متوسط ثلث عایدات سه ساله اخیر است

تبصره ۲ - خالصجات انتقالی که در سه ساله اخیر مسلوب المنفعه بوده است مشمول مقررات قانونی

مالیات املاک اربابی خواهند بود .

تبصره ۳ در موقع تقویم اضافه مالیات خالصکی قیمت جنس مالیاتی نرخ متوسط پنج سال اخیر محل  
است و در املاکی که مالیات معمولی و کنونی آن نقدی است ماخذ خریداری همان مالیات پرداختی نقدی فعلی خواهد بود  
ماده چهارم از خالصجات انتقالی که قبل از این تاریخ متصرفین برای مشاهد مشرفه و مساجد و دارالایتم  
و مریضخانه و مدرسه و یا سایر امور خیریه و عام المنفعه وقف کرده اند و یا عواید آنرا برای امور مذکوره  
تخصیص داده اند از تاریخ تصویب این قانون مالیات اربابی اخذ میشود و اضافه عایدی که از کس شدن مالیات  
خالصکی حاصل میگردد و برای توسعه و تکمیل همان مصارفی که واقفین معین کرده اند تخصیص می یابد

ماده پنجم - صاحبان خالصجات انتقالی میتوانند در عوض وجهی که از بابت قیمت مالیات خالصکی باید  
بپردازند اسناد و مدارک بر قرار مستمری دیوانی که بتصویب مجلس رسیده باشد واگذار نمایند و  
وزارت مالیه مکلف است که آن مستمری را چهار برابر نرخ پرداختی سنه ۱۳۰۶ در عوض قیمت مالیات خالصکی  
قبول نموده و از دفتر وظایف محو کند - هرگاه مستمری واگذار شده مربوط باشخاص دیگری غیر از خریداران  
مالیات خالصکی باشد خریدار باید سند واگذاری و انتقال قطعی صاحب مستمری را بوزارت مالیه تسلیم نماید که  
در آتیه ابراد و اعتراضی باقی نماند .

ماده ششم - خالصجاتیکه در نتیجه نمره یا طغیان بتصرف اشخاص در آمده است و برای دولت بلحاظی

استرداد آنها مقدور نبوده است مشمول مواد این قانون نخواهد بود

ماده هفتم - این قانون پس از تصویب بموقع اجرا گذاشته شده و وزیر مالیه مأمور اجرای آن است  
این قانون که مشتمل بر هفت ماده است در جلسه لیله بیستم اسفند ماه یکهزار و سیصد و شش شمسی بتصویب

رئیس مجلس شورای ملی حسین پیرنیا

مجلس شورای ملی رسیده

## قانون

اجازه منظور داشتن مخارج غیر ثابت وزارتخانه ها بابت بودجه اضافی ۱۳۰۵ جزو اعتبارات ۱۳۰۶

مصوب لیل ۲۰ اسفند ماه ۱۳۰۶ شمسی

ماده اول - مجلس شورای ملی اجازه میدهد اعتباراتی که برای مخارج غیر ثابت وزارتخانه ها بابت بودجه  
اضافی ۱۳۰۵ وزارتخانه ها در ضمن قوانین اعتبارات اضافی تصویب شده بشرح ذیل جزء اعتبارات ۱۳۰۶  
منظور و تعهد و پرداخت آن بر طبق قانون محاسبات عمومی صورت گیرد - هر قلم یا مبلغی از این اعتبارات  
در موعد مقرر قانونی ۱۳۰۶ تعهد و یا پرداخت نگردد مطابق مواد ۴ و ۵ قانون محاسبات عمومی به بودجه  
۱۳۰۷ مملکتی انتقال داده شده که بمصرف مخارج مصوبه برسد .

ماده دوم - وزارت مالیه و وزارتخانه های مربوطه هر يك در قسمت خود مأمور اجرای این قانون میباشد  
این قانون که مشتمل بر دو ماده و صورت ضمیمه است در جلسه لیله هشتم اسفند ماه ۱۳۰۶ شمسی بتصویب  
مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی : حسین پیرنیا

صورت ضمیمه قانون اجازه منظور داشتن مخارج غیر ثابتة وزارت خانه ها بابت بودجه اضافی ۱۳۰۵ جزو اعتبارات ۱۳۰۶ صورت مخارجی که در ضمن لوائح اضافی وزارتخانهها برای ۱۳۰۵ تصویب شده و پرداخت نشده است

شرح	ماهیه		سالیه		ملاحظات
	تومان	۱۰/۱۰۰	تومان	۱۰/۱۰۰	
<b>وزارت پست و تلگراف</b>					
۱ اعتبار مخارج مصالح و حمل سیم کشی جدید الی سرحد روسیه و تفاوت قیمت مصالح مزبور متناسب نرخ لبره انگلیسی			۶۰۴۰۰		
۲ اعتبار مخارج بنائی			۵۳۱۹		
۳ سیم کشیهای جدید بشخص وزارت پست تلگراف			۴۶۴۱		
۴ سرحد ترکیه و روسیه (از طهران به آستارا و از طهران به بازرگان)			۶۹۸۴۰		
۵ اعتبار برای احداث کابل عبادان محمده			۱۲۵۰		
۶ مخارج ساختمان تلگرافخانه در خسروی			۱۰۰۰		
۷ تعمیر خط تلگرافی مشهد سیستان زیت گناباد			۱۰۰۰۰		
جمع			۱۵۲۴۵۰		
<b>وزارت خارجه</b>					
۱ اعتبار مخارج تعمیرات عمارت سفارت ایران در لندن			۲۵۰۰		
۲ نصب تلفن برقی کابل			۵۰۰		
۳ تعمیرات ابنیه دولتی وزارت خارجه			۱۱۲۱۱	۲	
جمع			۱۴۲۱۱	۲	
<b>وزارت داخله</b>					
۱ اعتبار جهت اثابیه برای دوائر حکومتی ولایات			۶۰۰۰		
۲ نصب تلفن کابل			۵۰۰		

شرح	ماهیه		سالیه		ملاحظات
	تومان	۱۰/۱۰۰	تومان	۱۰/۱۰۰	
۳ اعتبار برای مرمت و ساختمان عمارات ابالتی و ولایتی و نظمیة های نقاط ذیل از محل صرفه جوئی بودجه ۱۳۰۵ وزارت داخله:					
ابالت آذربایجان					۱۰۰۰۰
فارس					
خراسان					
کرمان					
ولایت کیلان					
کرمانشاهان					
اصفهان					
قزوین					
یزد					
زنجان					
ملار					
کردستان					
عراق و کروس					
نظمیه های ولایات					
عمارت چشمه علی دامغان					
جمع					۱۶۵۰۰
<b>وزارت معارف</b>					
اعتبار برای تعمیرات و نواقص اثابیه مدارس ولایات و وجب صورت جزء که بتصویب رسیده است اعتبار تعمیرات ابنیه متصرفی وزارت معارف در ولایات و وجب صورت جزء					
جمع					۱۳۶۱۲
جمع کل چهار وزارتخانه					۲۰۴۰۸۸

صورت فوق ضمیمه قانون ( اجازه منظور داشتن مخارج غیر ثابتة وزارتخانه ها بابت بودجه اضافی ۱۳۰۵ جزو اعتبارات ۱۳۰۶) بوده و صحیح است